



سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۰ صفحه

پیکار

دوشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۸ بها ۲۰ ریال

پیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

- جنبش کارگری
 - خلق ها و مسئله ملی
 - زبک‌زاهای ضد انقلاب ... (۵)
 - دستگیری یک مبارز حرفه‌ای
 - خلق می خواهد بداند ...
- صفحه ۳
صفحه ۶
صفحه ۱۰
صفحه ۱۶
صفحه ۲۰

بمناسبت ۲۱ ژانویه (اول بهمن ماه) پنجاه و ششمین سالگرد مرگ لنین

لنین جاودانه است

بیاد داشته باشید، دوست بدارید و بیاموزید... ایلچ را، آموزگار ما، پیشوای ما را (ی-اسالین) صفحه ۱۳

هیئت حاکمه، به زحمتکشان به جای مسکن، گازاشک آور و گلوله میدهد!

صفحه ۵

بمناسبت تکمیل کنفرانس کشورهای اسلامی :

**آمریکا زیر پرچم "الله"
"پیمان اسلامی"
دوباره احیا میشود!**

صفحه ۹

جنگ قدرت، رسوایان را رسوا می‌کند

مدنی توسط دانشجویان بیرو خط امام افشا میشود
امانه برای خلق بلکه برای حزب جمهوری اسلامی!

صفحه ۲

مروری بر انتخابات ریاست جمهوری

انتخابات ریاست جمهوری سرانجام به پایان رسید. آنچه در طی این مدت در حین مسابقات انتخاباتی بوجود می‌آید، همچون آشنایی با موقعیت و چهره نیروهای درگیر در قدرت حاکمه را نشان می‌دهد. کدالت، وصف بندی نیروها را ابعاد درونیتری بخشد. شرکت بیش از ۱۲۰۰ کاندیدا در انتخابات ریاست جمهوری، نشانگر هیئت حاکمه را در برقراری واداره دستگاه قدرت سیاسی نشان می‌دهد. این مسئله در فاسد با موارد مشابه آن در دیگر نقاط دنیا، بقیه در صفحه ۲

بمناسبت ضد انقلاب ششم بهمن شاه و کندی:
**اصلاحات ارضی امپریالیستی:
راه‌گشای توسعه سرمایه‌داری وابسته**

صفحه ۱

بنی صدر در مقابل حقوق خلق‌ها

صفحه ۱۹

دستهای متحد و قدرتمند ۵۰۰۰ نفر کارکنان مبارز چوکا سرپرست کارخانه را به عقب نشینی واداشت

صفحه ۳

کارگران

صایع فولاد یک

شرکت وابسته

به امپریالیسم را

ملی اعلام کردند

صفحه ۳

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

مروری بر ...

آنجان منصف بود که سردمداران رژیم نیز خود بیس از مدتی به آن بی بردند و در صدد "رفع" آن برآمدند. اما با طریقی شدن نا شیگری خود، مطابق معمول به عامل "توطئه آمریکا" متوسل شدند؛ در پی این جریان تعداد دکاندینان با ایجاد مواضع "فانونی" کاهش یافت و به تعداد معدودی که عمدتاً از چهره های شناخته شده رژیم بودند، تنزل یافت.

حوادث و رویدادهای که در عرصه مبارزات انتخاباتی بوقوع پیوست و تلاطماتی که در صحنه سیاسی کشور پدید آمد، بخوبی وضوح در هر بخش و تا سا با مان درونی رژیم را نمایان ساخت و نشان داد که ناخواسته در وضع شکننده و ناپایدار است. در این صحنه و تحت تاثیر حوادث رخ داده، تکلیف های درونی قدرت سیاسی حاکم، با زهم ابعاد عمیق تر و روشنتری بخود گرفت و بحران درونی آن هر چه بیشتر افزایش یافت. بخصوص زمانی که مسعود رجوی از سوی نیروهای دمکرات و مترقی برپایه یک حمایت وسیع بوده ای پایه عرصه مبارزه انتخاباتی نهاد.

صحنه مبارزه انتخاباتی در عین حال صحنه فضا جت ها و رسوا شیی های بی در پی رژیم و جناح های مختلف درونی آن نیز بود. پذیرش رسمی مسعود رجوی بعنوان کاندیدا، از سوی وزارت کشور و "مقامات مسئول" و بقول ضمنی خود آیت الله خمینی و سپس راندن او از این صحنه پس از مشاهده نیروی عظیمی که در پشت سر این کاندیدا متمرکز گشته بود، عسدم دخالت و اظهار نظر آیت الله خمینی در امر انتخابات و صرف نظر کردن از حق ولایت فقیه "خود در اینست" ای مبارزات انتخاباتی و اندکی بعد زیر پانها دن این امر و ما در شن "فتوا" و امر "فقیه" از سوی او بمنظور حذف مسعود رجوی از مبارزه انتخاباتی با بانسد بازی حزب جمهوری اسلامی در جریان معرفی جلال - الدین فارسی وزیر پانها دن همان ضوابط و قوانین که در "مجلس خبرگان" خود به تصویب رسانده بودند در این جریان و در پی آمدان اختلافاتی که میان روحانیت بوجود آمد (اعتراض شیخ علی تهرانی به رهبران "حزب") و... نمونه های از این رسوا شییها و فضا جت ها در طول تدارک انتخابات بود، رسوا شییهای خود بیس از پیش بردا منته تا قضا و بحران درونی رژیم جمهوری اسلامی مافزود.

این رسوا شییها، بیس از هر کس و جریانی دامن "حزب جمهوری اسلامی" را فرا گرفت و تا شیرات بسزائی در کاهش با زهم بیشتر موقعیت و اعتبار کاندیدان در میان مردم باقی گذاشت. بطوریکه این "حزب" مجبور شد از معرفی یک کاندیدای مستقل، پس از برکناری فضا جت بار "فارسی"، منصرف شود. حتی دکتر آیت عسوفعلی شورای مرکزی این "حزب" (و عسوا بق حزب آمریکا کئی "زحمتکشان ملت ایران" به رهبری بقاشی) که در کنش برکناری "فارسی" و به پشتوا نه حمایت "حزب جمهوری اسلامی" پس از کنساره گیری "فارسی" در انتخابات شرکت جست بود، از این "حمایت" برخوردار نگردد و همچنان منفرد و بی پشت و پنا ده باقی ماند؛ همین مسئله فضا دمان این عضو

بقیه در صفحه ۱۵

جنگ قدرت، رسوایان را رسوا تر میکند

همانطور که شا هدی بوده ایم، در آستانه انتخابات ریاست جمهوری بود که این حضرات به معرفی یکدیگر نشسته، وگرنه تا آنجا که به مردم مربوط می شود، گویی توده ها حق ندا شنند، پیش از این بی بهما هیت مدنی ها، بهشتی ها و همپالکی ها شان که هر میهای اساسی قدرت را در دست دارند، ببرند. اکنون که هر کسی، با بهتر بگوئیم هر جناحی سعی بر آن دارد که مواضع اصلی قدرت قانونی را در دست بگیرد، البته سنا دومدارک خیا نتکاران بکار می آید، آتیه همه استاد، که در صورت رو شدن ممکن است پای افشا کنندگان را هم بگیرد، بلکه تا آنجا و فقط تا آنجا که در جهت تامین منافع مهمترین قطب قدرت حاکم، یعنی حزب جمهوری اسلامی باشد. مدت ها است که مردم می پرسند چرا هیئت حاکمه در طول نزدیک به یکسال حکومت خود، کوچکترین قدمی در راه افشای اسناد و مدارک خیانت رژیم بپهلوی و معرفی مزدوران امیرالیم، درهر رنگ و لباس، برنداشته است؟ چرا حتی لیست اسمی سا واکبها را منتشر نکرده است؟ چرا حتی یکی از قراردادهای اسارت را امیرالیمستی را که تعدادشان به اعتراف خود رژیم بالغ بر یک هزار است، افشا نکرده است؟

البته مردم بانک در مقابل این چرا ها و هزاران چرا ی دیگر از این قبیل، تا حدی جواب خود را یافته اند، اگر اسناد خیانت این مزدوران امیرالیم افشا میشد، مگر توده ها اجازه می دادند که این خائنین به خلق همچنان در مسند قدرت باقی بمانند؟ در این میان حزب جمهوری اسلامی به برکت در اختیار داشتن مواضع کلیدی در امور کشور و بانکها بسیاری از اسناد و مدارک با دهنده در دست آنهاست، از موقعیت برتری در افشای همپالکی هایش برخوردار است. مدنی جلا د تا وقتی که جوانان عرب را به جوجه های اعدام می سیارد، "دست نیرو مند" امام " است، لکن آنجا که دیگر این "دست نیرو مند" برای حزب جمهوری اسلامی به "شاخ" تبدیل میشود، البته که باید آسرا شکست. چنین است که وابستگی این جلا د به آمریکا درست یک روز قبل از انتخابات ریاست جمهوری از پزده بیرون می افتد. از طرف دیگر "دانشجویان پیرو خط امام" این دکان سیاسی نیز که بر انبوهی از اسناد دسترسی دارند، تنها وقتی به اصطلاح به افشای اسناد میپردازند که صرفاً در خدمت منافع جناحی از روحانیون قدرتمند و پاندهای حاکم بر کشور باشد. از این قبیل بود افشای مدنی جلا د در هفته ای که گذشت. کسی نیست از این جوانان "افشا گر" بپزده که چرا تا حال در مورد این جنایتکار رسکوت کرده بودید؟ امولا چرا کلیشه اسناد و مدارک موجود در جاسوخانه آمریکا، یکجا در اختیار عموم گزارده نمی شود؟

جالب اینجاست که این دانشجویان "افشا گر" در مقدمه افشای مدنی گفته اند که این افشاگری بنا

بقیه در صفحه ۱۷

انتخابات ریاست جمهوری در حقیقت گام آخر برای فانونی شدن حکومت بود. کسانی که امروز مواضع اصلی قدرت سیاسی را در دست خود دارند، البته می خواهند ترکیب حکومت قانونی آتیه در جای مناسبی را اشغال کنند. بنا بر این می بینیم که چگونه رئیس جمهور شدن به مسئله ای بسیار مهم برای جناح بندی های موجود در هیئت حاکمه تبدیل میشود. هر کس یا هر جناحی کوش می کند، این پست کلیدی را از آن خود کند. از طرف دیگر جاسوخانه ما دجا بر بحران عمیقی است و اوضاع ناپسما نی را پشت سر میگذارد. خواسته های اساسی توده ها همچنان از طرف هیئت حاکمه بیجا جواب مانده است و توده ها روز بروز برای گرفتن حقوق خود کوشش میکنند و آنها را تحت فشار قرار می دهند، توده های مبارزه با امیرالیم را تا به آخر یعنی تا نابودی کامل سلطه و نفوذ سوسی - خواهند. مسئله بیکاری، حقوق ملی خلقها و مهمترین از همه سرمایه داری و بسته همچنان در مقابل توده ها عرض اندام می کند. اوضاع ناپسما ن اقتصادی کشور با روشنائی که هیئت حاکمه در پیش گرفته هم - چنان رفع نشدنی باقی مانده و خواهد ماند. طبیعی است که این مسائل همگی در موقعیت جناحهای حاکم

● "دانشجویان پیرو خط امام" این دکان سیاسی نیز که بر انبوهی از اسناد دسترسی دارند، تنها وقتی به اصطلاح به افشای اسنادی از آنها می پردازند که صرفاً در خدمت جناحی از روحانیون و پاندهای حاکم بر کشور باشد.

● چگونه حزب جمهوری اسلامی با کمتر از یکسال سابقه "فعالیت"، دشمن در پینه "آمریکا" از آب در می آید!

تا شیری گزارد، اگر تا دیروز خدا انقلابیون و خائنین حاکم می توانستند به آرمی در کناره و دست در دست یکدیگر حکومت کنند، امروز با توجه به مسائلی که عنوان شد و با توجه به اینکه حکومت در جهت قانونی شس و به اصطلاح تثبیت شدن است، همانطور که می بینیم بجان هم افتاده اند و خود نقلاب از چهره یکدیگر برمی دارند. در واقع در این جنگ قدرت، رسوایان رسوا تر شده و توده ها هر چه بیشتر با همت واقعی، هیئت حاکمه آشنائی شوند. آنها اکنون از "هول حلیم" نه فقط خود، که در قبا یشان را نیز در "دیگ" می اندازند! دزدهای آئی دزد، آئی دزد، سر - داده اند، خط زاده، یعنی صدور حبیبی را زد می خواند. بنی صدر حزب جمهوری اسلامی را دروغگو و توطئه گر می داند. این حزب خلق الساعه، مدنی را بعنوان فردوا بسته به آمریکا معرفی میکند، فارسی از توطئه چینیی بنی صدر می نالد، حوزه علمیه قم "جاسوخانه روحانیت مبارز" و اردن جنگی آشکار می شوند و اخیراً شیخ علی تهرانی نیز خواهان افشای روابط بهشتی ها با آمریکا شده است.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



اخبار کوتاه کارگری

زنجان - دستگیری نماینده مبارز کارگران پارس مینو

وزیری یکی از عناصر مبارز زنجانی که در جریان کارخانجات پارس مینو خرمدره است که در طول مبارزات کارگران نقش فعالی داشته و حمایت بنیادین آنها سرخوردار می باشد. عوامل هیئت حاکمه ضد خلقی که تا کنون با رها کینه و نفرتشان را نسبت به کارگران آگاه و مبارز پارس مینو و دستگیری آنها نشان داده اند. چندبار تصمیم میگیرند وزیر را دستگیر نمایند (مثل تابستان گذشته) اما بدلیل محبوبیت زیاد وی در میان کارگران و ترس از عکس العمل آنها موقتاً از این کار خودداری میکنند.

عوامل هیئت حاکمه مدتی قبل وزیر را در حالیکه در خانه ای مهیا بود، هنگامی که میخواست دستگیر میکنند. فردی از نیروی وقت خیر دستگیری وی بگوش کارگران میرسد. همه آنها دست از کار میکشند و به نشانه اعتراض بدستگیری نماینده شان حدود ۱۰ ساعت جاده اصلی تهران - تبریز را می بندند. خیمه شب بازیها و بیرونده های زیبای عوامل مزدور علیه وزیر نمیتواند کارگزارانی را که در زندگی و مبارزات روزمره شان همیشه ورا کتا رخود دیده بودند، بغربند.

اعتصاب و اعتراض کارگران حدود ۳۰ روز ادامه می یابد ولی وزیر همچنان در محس میماند. سرانجام ۵۰۰ نفر از کارگران به قم رفته و ۱۵۰۰ نفر نیز در کارخانه دست به اعتصاب میزنند. در قم بکنفرانس نماینده از طرف دفتر امام و یک نفر مهندس از طرف بقیه در صفحه ۴

کارگران صنایع فولاد يك شرکت وابسته به امپریالیسم را ملی اعلام کردند!

های وابسته توانستند همچون گذشته به استثمار و غارت و حشایش کارگران ادامه دهند.

کارگران مجتمع صنایع فولاد زاوین دست به کارگرانی بودن که هنگام مبارزه علیه رژیم وابسته نشان دادن دست به اعتصاب زدند و در شهرها و از تظاهرات برپا کردند. این کارگران بعد از قیام مبارزه خود را علیه شرکت های وابسته امپریالیستها ادامه دادند.

در مقابل این حرکت کارگران، هیئت حاکمه شیراز دستگیری و اخراج کارگران مبارزی همچون "حسن با بادی" و "خیرالله حسن" و دیگران که خود را نسبت به آنها و جماعتش را از سر ما به داران بنمایش گذاشت.

طی چند روز گذشته مبارزه کارگران این مجتمع (این کارگران در استخدام شرکت فاسترویلر - تهران جنوب می باشند ولی برای مجتمع صنایع فولاد کار می کنند). شکل تازه تری پیدا کرده است. آنها این بار با عملیات نشان دادند که دیگران میدان را به هیئت حاکمه از دست داده اند.

روز چهارشنبه ۵۸/۱۰/۲۶ کارگران فاسترویلر - تهران جنوب با رد بگرفت و عظمت همبستگی را نشان دادند.

بقیه در صفحه ۴

در حالیکه هیئت حاکمه در حرف دم از مبارزه ضد امپریالیستی می زند ولی در عمل قدم اساسی بر نداشت و حتی اعمال انقلابی کارگران و زحمتکشان را در این زمینه محکوم و تصدائی معرفی میکند. کارگران صنایع فولاد عملاً علیه شرکت های وابسته به امپریالیسم، دست به مبارزه زده اند.

H.Y.L در مجتمع صنایع فولاد چندین شرکت وابسته به امپریالیسم، مانند کورف، لورکی، سو فراساد، مشغول بکار هستند که از طریق بیمه کارکنان آنها مانند فاسترویلر و ما... نیروی انسانی مورد نیاز خود را تامین میکنند.

نقش این شرکتها و بیمه کارکنان آنها در دسترنج کارگران و مکیدن خون آنها است. مثلاً اگر شرکتی مانند کورف به هزار نفر کارکنان احتیاج داشته باشد، خودش مستقیماً کارکنان استخدام نمی کند، بلکه از طریق بیمه کارکنان فاسترویلر - تهران جنوب این کار را اقدام می نماید. آنچه در این میان نصب شرکت فاسترویلر - تهران جنوب می کرده، دسترنج غارت شده کارگران است. از آنجا که این اقدام بهس ماه هیئت حاکمه در جهت لغو مبارزات های امپریالیستی اقدام می نکرد، این شرکتها و بیمه کارکنان

عوامل هیئت حاکمه و کارفرما دست در دست هم علیه کارگران توطئه میکنند

گزارشی از کارخانه "قرقره زیبا"

کارگران کارخانه قرقره زیبا که در عمل دریا فته بودند شورای کارخانه شان، یک شورای تحمیلی است که بیشتر برای کارفرما تلاش می کند تا کارگران، از آن قطع امید کرده و خود برای رسیدن به خواستهایشان دست به مبارزه می زنند.

از طرف دیگر عوامل کارفرما که تا حد امکان سعی در اعتراضات کارگران هستند، از ترس اینکه آنها خود دست به ایجاد شورای واقعی بزنند، برای بیرون کردن فکرها شش شورا از سر کارگران و با استفاده از بدبینی آنها نسبت به شورای کارخانه روز به شبانه ۵۸/۱۰/۲۵ انحلال آنها را اعلام می کنند.

در این میان کارگران آگاه و مبارز که از این توطئه آگاه شده بودند، دست به افشای زده و بقیه کارگران گوشزد می کنند تا بدجای شورای بقیه در صفحه ۴

دستهای متحد و قدرتمند ۵۰۰۰ نفر کارکنان مبارز "چوکا" سرپرست کارخانه را

به عقب نشینی واداشت

که در تقیما مذکور شده اقدام نماید اما از این سی - تفاوتی مدیریت رؤسومی بود. تا اینکه روز ۵۸/۱۰/۲۳ کارکنان بصورت یکجا راجه دست از کار می کشند و مقابل دفتر مدیریت میل منحصر می شوند. در این موقع نمایندگان شورای کارکنان با سرپرست گرفتن سرپرست کارخانه از او می خواهند که خواستهای آنها پاسخ دهد. سرپرست کارخانه که با سخاوتی به خواستهای کارگران در ما هیتش نیست و جز بهنگام ما توانی حاضر به عقب نشینی نمیشود، بدست و با افتاده و با تلقین به شورای انقلاب، دفتر امام، دفتر مرکزی در تهران و نماینده ما در آنزلی از آنها برای رهائی خود کمک می طلبد. با آمدن نماینده امام ابتدا کارکنان ما رز به سخنانش کوش می دهند، اما وقتی می بینند قدم فریب آنها را دارد، فریاد می کنند: "مفاد تقیما ما اجرا" باید کرد، اما می ساواکی افشاء باید کرد."

بقیه در صفحه ۴

بیش از این در بکار ۳۵ نفر که کارگران و کارمندان مبارز چوکا (صنایع چوب و کاغذ ایران) در اجتماع عظیم روز ۵۸/۹/۱۹ خود مدیریت کارخانه و استاندار کیلان را افشاء کرده و از آنها در مورد اعمال ضد کارگزاران (مانند انحلال شورا و دستگیری یکی از اعضا) توضیح خواستند! در همان اجتماع کارکنان با صدور تقیما ۱۴ ماده ای خواستار اخراج افراد مسلح (نیروی ویژه) از کارخانه، اخراج افرادی که با پارتی بازی و سفارش مدیریت به اصطلاح انقلابی و اسلامی سرکار گذاشته شده اند، افشای لیست ساواکیها، برداخت تفاوت حقوق کارکنان و... می شوند. آنها برای انجام خواستهای خود یکماه به مدیریت کارخانه مهلت می دهند. چند روز مانده به پایان وقت تعیین شده، شورای کارکنان به سرپرست اخطار می کنند که برای اجرای خواستهای

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۳ دستگیری ...

وزارت کار بنا بر مقرر برای حل موضوع تعیین می‌شود. (این خبر از اعلامیه "گروه باران صمد" زنجان نقل شده و از نتیجه اعتصاب تا کنون اطلاعی بدست ما نرسیده است.)

نهران - کارگران بافکارو شورای ضد کارگری آن

شورای کارخانه چیت سازی نهران که در ابتدا مورد حمایت کارگران بود، اینک با گذشت زمان و روشن شدن ماهیت ضدکارگریی که در آنجا در جریان است، انجمن کارگران نهران را تشکیل دادند. اگرچه در این شورا عناصرا صریح هم عضو نیستند، اما وجود افراد ضدکارگری چون مفرا رسیلی، غریبال بندوا زهمه مهمتر علی محمد عرب در آن، شورا را عملاً به جماعتی "سرکوب" "مدیرعامل" تبدیل کرده است.

کارگران انتظار داشتند که شورای مذکور در مورد خواسته‌های آنها مانند ۴ ساعت کار در هفته، دستمزد مناسب و درمانی ... پیگیری کند اما این شورا به هیچیک از خواسته‌های کارگران توجهی نداشت تا اینکه بدنبال افشاگری‌هایی که کارگران آن آگاسه و سایر کارخانه‌ها در باره احمد سالم و عنا صمد کارگری خود در فروردین شورا انجام می‌دهند، روزیکشنبه ۱۰/۲۳/۵۸ حدود ۲۰۰ نفر از کارگران آن شورا میخواستند که هر چه زودتر برای پاسخگویی به شواهد کارگران، مجمع عمومی تشکیل دهد. شورا که میداند تشکیل چنین مجمع عمومی در حقیقت جلسه خدا حافظی خواهد بود، ابتدا طرفه می‌برد، اما سرانجام در برابر فشار کارگران تسلیم شده و تشکیل مجمع عمومی را می‌پذیرد. پس از این مسئله گروهی از کارگران در کارخانه دست به تظاهرات می‌زنند، آنها شعار میدادند: احمد سالم اخراج باید گردد، پنجشنبه‌ها تعطیل باید گردد، نیروی ویژه افشا باید گردد، شوروی قلابی منحل باید گردد، شورای واقعی ایجاد باید گردد.

بقیه از صفحه ۳

عوامل هیئت ...

قبلی که منحل اعلام شده و اعضای آن از بالا توسط کارفرما و دولت تعیین شده بودند، شورای دیگری ایجاد شد که اعضای آن نمایندگان واقعی کارگران بودند. به این ترتیب کارگران مبارز می‌کوشند با ادامه افشاگری‌ها به خواسته‌های اساسی کارگران در رابطه با ایجاد شورای واقعی جهت دهنده و توطئه‌های کارفرما و عواملش را خنثی نمایند. سرانجام کارگران تصمیم می‌گیرند که روز بعد در کارخانه مجمع شونده برای انتخاب نمایندگان واقعی اقدام کنند. روز چهارشنبه (۵۸/۱۰/۲۶) با وجود توطئه‌ها و کوشش‌های سرپرست‌ها و نگهبانان کارخانه برای کشاندن کارگران به سرکارشان و بی اهمیت جلوه دادن وقایع روز قبل، آنها حاضر نمی‌شوند پیش از انتخاب است شورا سرکارها پیش از بازگردند.

بقیه از صفحه ۳

دستهای متحد ...

کارکنان آنشب تا صبح سرپرست ضدکارگری کارخانه را در اطراف خودش نگه داشته و خود به تحصن ادامه می‌دهند. فردای آنروز استاندار رگیسلان و نما بنده، اما در رشت یکمک مدیرعامل می‌آیند. اینبار نیز استاندار از "مبارزات" خویش و اینکه خانوادهاش از ابتدا کارگرم بوده‌اند ... دم زده و سعی می‌کنند کارگران را بفریبند، اما کارگران و کارمندان که در این موقع تعدادشان به ۵ هزار نفر می‌رسید و سلطت برقی بودن هوا در سالن کارخانه جمع شده بودند، مرتب شعار می‌دادند و توطئه آن خواستار اجرای مفاد قطعنامه و افشای لیست ساواکیها می‌شدند. سرانجام استاندار، نما بنده، اما و سرپرست کارخانه که با حیل و فریب نتوانستند کاری از پیش ببرند، در برابر ۵۰۰ انسان یکپارچه و متحد تسلیم و مجبور به عقب نشینی می‌شوند. آنها با امضا صورتجلسه‌ای تضمین می‌کنند که:

۱ - ما به التماس و حقوق کارکنان تا آخر بهمن ماه

بقیه از صفحه ۳

کارگران ...

آنها پس از راهپیمایی و تظاهرات که ضمن آن شعار می‌دادند: کارگرمیانی رسمی باید گردد. شرکت پیمانکاری ملی باید گردد. پیمانکار، پیمانکار، شریک امیرالیمین کارگر، کارگر، دشمن امیرالیمین ... مقابل دفتر فاسترویلر - تهران جنوب اجتماع کرده و پس از پانزدهین کشیدن تابلوی "کنسرسیوم فاسترویلر - تهران جنوب" بجای آن تابلوی "شرکت ملی پروژه‌ای" را بالا بردند. این کارگران در اجتماع خود اعتماد کل کارگران فاسترویلر را اعلام کرده و خواسته‌های خود را بصورت زیربسیان دادند: ۱ - لیغوقرا ردا دسین فاسترویلر - تهران جنوب

پرداخت شود .

۲ - شورا را منتظما ت کارخانه را بعهده بگیرد و افراد مسلح کارخانه را ترک کنند. ۳ - دونفر از نمایندگان با مجوز نما بنده، اما م به بررسی پرونده‌های دادستانی انقلاب بپردازند و لیست ساواکیهای کارخانه را تهیه نمایند. اجرای بقیه مفاد قطعنامه نیز در صورتجلسه تضمین می‌گردد. بدین ترتیب بار دیگر کارگران شکوه قدرت همبستگی و تشکل را مشاهده می‌کنند. آنها بیش از پیش درمی‌یابند که تنها راه صلاح گرفتن حقوق با اعمال شده‌شان یکپارچگی و تشکل است. در سایه همین اتحاد دیوکه وقتی شورا متوجه شد سرپرست کارخانه برای چندن از مدیران که تفاقی یکی از آنها از فعالین انجمن اسلامی بوده و قرا رود مشغلا "قی سبیل الله" کارکنند، مبلغ زیادی اضافه حقوق زده، توانست احکام آنها را لغو کرده و این مدیران اسلامی را افشا نماید.

بروان اساد اتحاد و همبستگی کارگران و کارمندان مبارز "چوکا"

و صنایع فولاد .

۲ - رسمی شدن تمام کارگران پیمانکار موجود در مجتمع فولاد . ۳ - تمام کارگران پروژه‌ای ایران با بدزیربوشن یک "شرکت ملی پروژه‌ای" قرار بگیرند تا هنگام مبارزات از "حق بیمه بیکاری" استفاده کنند. ۴ - تمام کارگران پروژه‌ای با بدزیربوشن یک شرکت ملی در ایران بهره‌مند شوند. کارگران فاسترویلر - تهران جنوب اعلام کرده‌اند که اگر به خواسته‌هایشان رسیدگی نشود به شیوه‌های دیگر مبارزات دست خواهند زد. در ضمن کارگران مبارز شرکت "مانا" و "ماشین سازی پارس" از مبارزه این کارگران پشتیبانی کرده‌اند! گسترده‌تر با بدزیربوشن امیرالیمینی عدا رتاجی کارگران و زحمتکشان! مستحکم با بدزیربوشن همبستگی کارگران!

تحمل کند و با ناراحتی همراه با نشان از کارخانه بیرون می‌رود. پس از رفتن بکاشی، افسری که همراهش بود میان کارگران می‌رود و با جرب زبانی و وعده‌های شیرین از کارگران می‌خواهد که خواسته‌هایشان را نوشته و بدهند تا برایشان انجام دهد. با وجودیکه عده‌ای از کارگران آگاه کوشیدند اما هیئت واقعی چنین عناصری را برای بقیه توضیح بدهند ولی سلطت عدم آگاهی و نبودن هماهنگی در بین کارگران، افسر مذکور موفق می‌شود صورتخواسته‌های کارگران را بگیرد و در حالیکه تعدادی از آنها را مردود و بخود میدواد ر کرده بود کارخانه را ترک کند. برای کارگران آگاه واضح بود که دادن خواسته‌ها به افسر چشم میدبه و دواختن کار را شتاب می‌دهد زیرا این عمل یعنی کارگران میتوانند غیر از طریق شورای واقعی خود، از راه دیگری نیز به خواسته‌های بقیه در صفحه ۱۷

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

هیئت حاکمه، به زحمتکشان بجای مسکن، گازاشک آور و گلوله میدهد!

● گزارشی از تصرف انقلابی یک ساختمان و طبقه در خیابان آزادی، توسط زحمتکشان گود نشین جنوب شهر

عده‌ای از زحمتکشان گود نشین جنوب شهر تهران روز جمعه ۵۸/۱۰/۲۸، دست بیک اقدام انقلابی زدند و در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر، ساختمان خالی و طبقه‌ای را که در خیابان آزادی، جنب خیابان جمالزاده قرار دارد و متعلق به سرمایه‌داران بزرگ می‌باشد، تصرف کرده و در آن ساکن شدن آنها سربینه‌ای برای حفاظت خود و زن و فرزندان از برابری زمین داشته‌ها شد. همزمان با این عمل انقلابی، عده‌ای اردانشو-بان و سایر مردم در محل جمع شدند تا ضمن اعلام پشتیبانی از ساکنین جدید ساختمان، در مقابل توطئه‌های عوامل سرمایه‌دار و حمله احتمالی سرمایه‌داران از زحمتکشان حمایت کنند. طولی نکشید که با صدایان گمیته خود را به آزار رسانند و علاوه بر تیراندازی هوایی با برتاب گازاشک آوری شروع کردند. مردم را از ساختمان بیرون کرده و همه را متفرق سازند. صدای گداز آنها بوجود آورده بود هر شخص ناظری را بی اختیار با سال پیش در همین اما او اعمال وحشانه؛ مردوران رژیم می‌انداخت که با آنها از ملوانان گازاشک آوری ساخته و صدای رگبار مسلسل آنها گوش مردم را گرمی نمود. اما هر چه با صدایان بر نت خونت خود می‌افزودند، شعارهای مردم و جمعیت آشنو به زحمتکشان کوبنده تر و رساتر می‌شد. بطوریکه ما برتاب گازاشک آوری و شعارها به صورت "سازار کمیته، حامی سرمایه‌دار"، "مرکز برحامی سرمایه‌دار"، "اقدام گود نشینان مورد تائید ماست" درآمد.

زحمتکشان درون ساختمان در حالیکه بلاکاردی با مضمون "حق گرفتاری است، نه دادن" را بدیوار چسبانده بودند شعار می‌دادند: "مسکن، مسکن نیاز مبرم ماست، این خانه‌های خالی، حق مسلم ماست" با گوج نشین بیروز است، کاخ نشین نابود است" و

سازار ان که با عزم راسخ مردم روبرو شده بودند بناچار ساعت ۷ و بیست دقیقه بعد از ظهر آنجا را ترک کردند. اما دوساعت بعد مجدداً سروکله آنها که مسلح و مجهز تر نبودند پیدا شد و بلافاصله خیابان‌های اطراف ساختمان را بستند. اینستار سازاران تنها نبودند بلکه عده‌ای جوانان نامتآکا و تحریک شده و تعدادی از زمین‌هایی را که همیشه ما مورث برهم زدن نظرات و اجتماعات مترقی را بر عهده دارند نیز با خود آورده بودند اینستارهای معروف و همیگی خود را مانند "حزب فقط حزب الله، ... تکرار می‌کردند در حالیکه مردم داخل ساختمان فریاد می‌زدند: "چون دادیم، خون دادیم، بیکار و بی مسکنیم" مردم بیرون از ساختمان با شعار "های اقدام گود نشینان، مورد تائید ماست"، "گود- نشین مستضعف، بیروزیت مبارک"، "اتحاد، اتحاد

علیه سرمایه‌داران، جاسوسان آمریکا، حامی سرمایه-دار" و "سرمایه‌داران روزوازل نبوده، سرمایه‌دار حق تراریوبه" و ... از آنها حمایت می‌کردند. مردم بیرون از ساختمان شاهد شور و انقلابی زنان و مردان درون ساختمان بودند که با عزم راسخ خود تصمیم گرفته بودند ابتدا شیترین حق مسلم خود را که داشتن مسکن است از سرمایه‌داران زالمصفت که آنهمه ویلاها و ساختمان‌های لوکس را از دسترنج زحمتکشان درست کرده‌اند، پس بگیرند. آنها بدون توجه به سرمای بیرون ساختمان ایستاده بودند تا همیگی انقلابی خود را با زحمتکشان نشان دهند.

چند ساعت بعد (در حدود ساعت ۱ و بیانه زده دقیقه شب) یک ماشین بنز متکی که چهار نفر در آن نشسته بودند سرسری و با سرعت گوا اعلام نمود که: "من نماینده عملیاتی سپاه سازاران هستم و از شما می‌خواهم جلوی ساختمان را ترک کنید". ولی زنان و مردان درون ساختمان از مردم درخواست نمودند که مصروف خود را فرشته تر ساخته و متفرق نشوند. به همین جهت جمعیت بیرون شعار می‌دادند: "می‌مانیم، می‌مانیم تا صبح می‌مانیم". نماینده سازاران ضمن اینکه مجدداً از جمعیت می‌خواست متفرق بشوند بعد مردم درون ساختمان گفت قول می‌دهم که ما مشرب را شما در ساختمان بمانید تا آرزاهان نونی (!) این ساختمان را بشما بدهند! این حرف بسیار مسخره بنظر می‌آمد زیرا زحمتکشان در طی ماه‌های بعد از قیام با تجربه خود دریافته بودند که تنها با انکابه نیروی خودشان و با شیوه‌های انقلابی قادر هستند حق خود را بگیرند و رژیم متاکتون به خوبی ثابت کرده است که تنها حامی و حافظ منافع سرمایه‌داران و زمین‌داران است و هیچ دردی را از زحمتکشان دوا نخواهد کرد.

در مقابل اخطارهای مکرر سازاران مبنی بر متفرق شدن هر چه زودتر جمعیت، مردم همچنان دستان خود را زنجیر و اسبم‌گرفته زده بودند و با همیگی فوق-العاده‌ای شعار می‌دادند: "گود نشین، گود نشین، مبارز واقعی علیه سرمایه‌دار"، "گار برای همه، مسکن برای همه"، "گود نشین، گود نشین، اتحاد سلاح محکم ماست، اقدام گود نشینان نسردها آمریکا است"، "تا خون در رگ ماست، این خون‌ها مال ماست"، "گود نشین، گود نشین، ما حامی توهستیم" و گود نشینان درون ساختمان نیز فریاد می‌زدند "اتحاد، مبارزه معادله- این است شعار گود نشین". در حدود ساعت ۲ بعد از نیمه شب سازاران مجدداً دست بکار شده و شروع به تیراندازی هوایی نمودند. چهار عدد گازاشک آوری درون جمعیت پرتاب کردند بطوریکه برای بخشی کردن اثرات آن مردم مجبور شدند بلاکاردی خودشان را آتش بزنند. جمعیت

شعاری داد: "سازار، سازار، نشان بده تسو حامی کی هستی". سازاران یکی از افراد جمعیت را گرفته و آنقدر کتک زدند تا بیهوش شود و آنگاه وی را بدون ماشین خودشان انداختند. شدت و غلظت گازاشک آوری و بحدی زیاد بود که جز با سازاران که ما سک-های ضدگاز بزرگ‌ها داشتند، هیچکس جاشی را نمیتوانست بییند. آنها از همین فرصت استفاده کرده و پیش از مدتی در دستگیر کردند. آتشب علاوه بر ماشینهای کدیته‌های مختلف تهران، حتی ماشین زندان اوین را هم آورده بودند.

آنگاه سازاران بدون ساختمان ریختند تا زحمتکشان ساکن آنرا بیرون بریزند، اما با مقاومت دلیرانه زنان و مردان روبرو شدند. حمله وحشیانه سازاران، صدای شلیک گلوله و گازاشک آوری که در محیط پراکنده شده بود، کودگان را بشدت سراسیمه کرده بود. آنها در حالیکه فریاد می‌کشیدند، از گوشه‌ای به گوشه دیگری دویدند. صحنه دلخراشی بود، سازاران دست زنی را گرفته برود و طرف درخروجی میکشید، زن شیون‌کنان کمک میخواست. در این هنگام شوهرش فریاد زد: "به زخم دست زن، حاله است!"

صحنه تهاجم بسیار شبیه حمله گاردهای مزدور به خوابگاه دانشجویان بود. آوری، شب از نیمه گذشته بود و زحمتکشان که در پیروزی قیام بیشتر بیسبم را داشتند، اینک پس از گذشت بیش از یک ماه از آن بجای مسکن، گلوله و گازاشک آوری در نیمه‌شان سبند و آنها که تنها در قیام نقش نداشتند، بلکه همه کوشان محدود کردن دامنه آن بود، اینک در خانه‌های مطل و راحت و گرم خود بیخواب خوابیده بودند.

آتشب اگر چه تلاش سازاران برای بیرون راندن زحمتکشان بجای تیرسید ولی برای دادن گزارش سرکوبشان زیاد هم دست خالی نبودند. گذشته ازدهها اسیری که با خود بردند، "سوا نشسته" بودند چند نفر را از قلمه نزدیک ساکن گلوله زخمی کنند! فردای آنروز به غیر از ۷ دختر دانشجو که به آنها همدردی و همیگی با زحمتکشان روانسه زندان هیئت حاکمه با صلاط طرفدار مستضعفین شدند، بقیه آزادگشتند.

در زمینه مصادره انقلابی آوارتمانی زحمتکشان!

اقدام انقلابی شما در ما دره‌ها پارتان‌های خالی متعلق به سرمایه‌داران بزرگ مورد تائید و پشتیبانی ما و همه نیروهای انقلابی است. این اقدامات شما مضمون عمیقاً انقلابی داشته و مشخصاً یک مبارزه ضد امپریالیستی است زیرا که مستقیماً باکاه داخلی امپریالیسم یعنی سرمایه‌داری وابسته و بزرگ را هدف ناپودی خود قرار داده است. عملیات و اقدامات وحشانه و ضد خلقی سازاران ارتجاع به عنوان دستگاه‌های هیئت حاکمه ضد خلقی بر علیه شما زحمتکشان ناپستی شما را بعقب برانستند. تبلیغات این نیروهای ارتجاعی و دستجات فاشیستی بشبه در صفحه ۸

داشتن مسکن، حق مسلم زحمتکشان است

خلق‌ها و مسئله ملی



پشتیبانی از منحصبین سندج

روزیگشته ۵۸/۱۰/۳۰ دعوت دانشجویان و دانش‌آموزان هوادار سازمان عده‌کشی‌ری از دانشجویان و دانش‌آموزان مردم‌مبارز شهران در میتینگی که برای پشتیبانی از مبارزه دلیرانه مردم سندج و تحمّن آنها در دستکده صنعتی یلسی-تکنیک تهران برپا گردیده بود، گسرد آمدند و پشتیبانی قاطع خود را از خلق کردارخواستها و شعارهای انقلابی آنان اعلام نمودند. در زیر قسمتی از پیام سازمان را که در این مراسم خوانده شد ملاحظه منکند:

هموطنان مبارز! دوستان و رفقا!

امروز مردم مبارز سندج وارد هجدهمین روز تحمّن و اعتصاب سرتاسری مدارس، بازار، ادارات، برای اخراج پاسداران که از عوامل مهم در کبری - های منطقه و ابزار رژیم در سرکوب خلق کرده‌ستند، شده‌اند. مردم سندج، بحق می‌رسند که تا آنکه همین دو سه ماه پیش سر خلق ما کلوله باریده‌اند، چگونه می‌توانند امنیت ما را حفظ کنند؟ کسانی که وظیفه - شان پاسداری از پاسواری و ستم طبقاتی و ملی و شونیم فارس است، بحد دلیل حق حضور مسلحانه در میان خلق ستمدیده گرد در آ دارند؛ و خلق کرد در سرتاسر شهرها و روستا های گردسان از مردم مبارز سندج پشتیبانی منکند و چنین است که امروز شهر شهرمان پرور سندج به مرکز همبستگی و سکر مستحکم اس خلق شهرمان در مبارزه علیه ارتجاع و امیرا - لیم تبدیل شده است ...

در پایان اعلام بدین ازا نا به نظر هرا ت سرتاسری در پشتیبانی از خلق کرد که به دعوت "ما موستا" صخ غزالدس حبیبی صورت گرفت و حمایت بکبار چه خلق کرد از مردم سندج و همجنس نوظنه‌های سیاسی و مدارک نظامی رژیم علیه خلقی کرد آمده است که:

تحمّن مردم مبارز سندج تحسن خلقهای تحت ستم ما را برانگیخته است و همه نوظنه‌های آکا ه خلق و در آسان کارگران و زحمتکشان آکا ه، بدان اهمیت بسیار فا تلند، میتینگی سترکه امروز در اینجا برگزار گردیده‌نا نه همبستگی عمیق روشنفکران انقلابی و نوظنه‌های آکا ه خلق با خلق شهرمان کرد است. ما از این فرصت استفاده کرده، به خلق کرد و بخصوص به مردم مبارز سندج که چنین مرکز همبستگی و بیوند انقلابی را بوجود آورده‌اند، درود مفرستم و اعلام مداریم که در حد توان خود پشتیبان خواست - های آنان هستیم .

برقرار باد خودمختاری خلقها در چارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک
مرکز بر امیرالایم و ارتح - باغ
گرامی باد یاد شما ی شهیدای خلقهای ایران
" سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر "

۱۳۵۸/۱۰/۳۰

جلادان "قارنا" در تدارک نوظنه‌های دیگر

● هنگ ژاندارمری نغده به همراه عوامل مزدور و فتودالهای سرسپرد های چون بهمن خان خسروی و عظیم معبودی که هر دو از عوامل معروف ساواک بودند و بعد ها هم دستشان تپا آرنج بخون اهالی نغده، "قارنا" و "کاتی مام سید" فرو رفته‌است، کسانی که حتی توسط آقای بهادران (نماینده آیت اله خمینی) نیز رسوا شده‌اند. همراه خان بزرگ منطقه، حسینقلی خان امیر فلاح و زیر نظر باند های آتش افروز رژیم (همچون چمران و ...) و با پول خلق نغذگی جمع می‌کنند تا فاجعهای دیگر بیا فرینند .

و همه‌جا بنده با ارکانهای رژیم حاکم و فتودالهای منطقه کنا ت. اما جنا که از او هدیداست، رژیم حاکم تلاش برای جلب و سبب نوظنه‌های نا آگاه سلدور به صف ضد انقلاب را شروع کرده و اجمال می‌رود که با مشارکت و همکاری فتودالها و مالکین بزرگ اقدام به فریبی مدا انقلابی کرده و آ - بر آتش مبارزه دهقانان برای ممانده و کسب رمنهای مالکین بزرگ بر سر و بدستی طریق نوظنه‌ها را از ما رها ملی - شان منحرف نموده و آنان را در اردوگا ضد انقلاب، بر علیه خلق کرد کرد آورد .

رژیم با استفاده از نغده‌ای که بدنیال جنگ خونین نغده‌سین نوظنه‌های نا آگاه ترک و کرد منطقه ایجاد شد، سوسله عنا صرا شش هر روز ما تا بعد - پراکتی و تحریکات خا شتا نه به بدستی نوظنه‌های ترک و کرد سلدور نسبت به یکدیگر دامن می‌رسد. آنها را آماده برادرکنی و خونریزی محدود می‌نماید. اما این بار دانه نوظنه نسبت به جنگ خونین نغده، توسعه یافته و اعلان نوظنه، نه تنها کرده‌ای مقیم سلدور، بلکه کل جنبش ملی و دمکراتیک خلق کرد را نشانه رفته‌اند .



متعاقب جنگ خونین نغده و سپس قتل عام ۲۵۵ تن اهالی روستا های قارنا و کاتی مام سید. اینبار رژیم ضد خلقی حاکم بدنیال شکست مفتضحانه‌اش در کردستان به طرح نوظنه جدیدی برای رودر و سرتاسر دادن نوظنه‌های نا آگاه هرک سلدور (نغده و حومه) و خلق مبارز کرد دست باز شده است .

چندی است که سبیل نیروهای ارتشی و ژاندارمری مهمات جنگی، از بنیرا شهر، اشویه و شهرهای دیگر بسوی نغده سرتاسر شده و می‌تفقه سلدور آکا ه ما می‌سین شهرهای کرده‌ستین مها با دوا شویه، بنیرا شهر و واقع است به منطقه‌ای شبه نظامی تبدیل نموده‌است . از سوی دیگر هنگ ژاندارمری نغده به همسرا ه عوامل مزدور و فتودالهای - سرسپرد های چون بهمن - خان خسروی و عظیم معبودی که هر دو از عوامل معروف ساواک بودند و بعد ها هم دستشان تا آرنج بخون اهالی نغده، قارنا و کاتی مام سید آغشته شده و کوس رسوا ششان حتی توسط نماینده خمینی (آقای - بهادران) نیز در سرتاسر ایران نواخته شد، با یکدیگر دیگران فتودالهای بزرگ منطقه با سم حسینقلی خان ام - فلاح و بدستور با ندهای آتش افروز رژیم و سا بتر - های که توسط دولت در اختیار آنها قرار داده شده است، اقدام به استخدام سدها مزدور با سم جوان مردم و مجاهد کرده و با تطبیح آنان نیروی بزرگی را برای سرکوب جنبش ملی و دمکراتیک خلق کرد فراهم آورده‌اند .

این سه عنصر خا ش "عظیم معبودی، بهمن خان خسروی و حسینقلی خان امیر فلاح" مزدعنا بت رژیم که تیشه قدرت از دست رفته فتودالهای پیشین هستند بدلیل ماهیت ضد خلقی خود و برای رسیدن به این قدرت و سرکوب نوظنه‌ها از هیچ تجاوز، خونریزی و قتل عام نوظنه‌های زحمتکشان کرد و ترک ابا نکرده و چه بسا که فحاشی خونین تراز جنگ نغده و قتل عام قارنا و کاتی مام سید را تکرار خواهند کرد . اینان در شرایطی خود را برای سرکوب نوظنه‌ها آماده می‌کنند که هر روز موج ناراضیاتی نوظنه‌ها از کرانی، بیکاری، مزاحمتهای پاسداران و ... فرو - نی می‌با بدومی رود که نوظنه‌ها را بمبارزه‌ای وسیع

برقرار باد خودمختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

اصلاحات ارضی امپریالیستی: راه‌گشای توسعه سرمایه‌داری وابسته

بمناسبت ضد انقلاب
ششم بهمن شاه و کندی:

● اجرای "اصلاحات ارضی" امپریالیستی تغییرات مهمی را در شیوه اشتمار زحمتکشان و درجهت توسعه مناسبات سرمایه‌داری وابسته در شهرها و روستاها بوجود آورد. شیوه اشتمار دهقانان که در دوران تسلط فئودالیسم بر روستاها بوسیله جذب کارا فاضی دهقان توسط مالکین انجام میشد، در شیوه تولید سرمایه‌داری وابسته شکل دیگری یافت.

ششم بهمن امسال یادآور گذشت ۱۷ سال از "رفراندم" طرح امپریالیستی "اصلاحات ارضی" است. در آن سالها برنامه‌ها، نیازها، ضرورت‌های اقتصادی - سیاسی - اجتماعی سرمایه‌های امپریالیستی از نقطه نظر توسعه، نفوذ، حضور و عملکرد سرمایه‌های امپریالیستی در اقتصاد کشورهای وابسته با ضرورت رفیرم امپریالیستی رافراهم آورده بود. صدور سرمایه و صدور کارا لاهای امپریالیستی و توسعه بازار و برداشتن شما می موانع اقتصادی - اجتماعی، رشد مناسبات سرمایه‌داری در جامعه ما را اجتناب ناپذیر کرده بود. امپریالیسم آمریکا به دنبال رشد یک دوره نفوذش در ایران از جنگ دوم به این طرف بویژه از کودتای جنایتکارانه سال ۳۲ با توسعه مناسبات سرمایه‌داری که در خدمت سرمایه‌های امپریالیستی بود، با مناسبات فئودالیسی، فئودال‌های بزرگی که عمدتاً با بگاها اجتماعی - سنتی امپریالیسم انگلستان در کشور ما بود، در تضاد قرار داشت. پس از یک دوره درگیری آشکار بین نیروهای ارتجاعی حاکم ایران، امپریالیسم آمریکا طرح "اصلاحات ارضی" را که اساساً با شکست نیازها و منافع سرمایه‌های امپریالیستی آمریکا بود و سلطه سیاسی - اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی آنرا بر میهن ما تا مین میکرد توسط همان ماشین دولتی وابسته به امپریالیسم و بدست همان نمایندگان امپریالیستی و ارتجاع داخلی به اجرا در آورد.

۲- اصلاحات ارضی امپریالیستی در شرایطی انجام میگرفت که فئودالیسم به بیکر فرسوده‌ای تبدیل شده بود، با شیوه تولید جدید عقب مانده کشاورزی و درآندیسارنا چیزناشی از این اقتصاد عقب افتاده نوده وسیع دهقانان فاقد قدرت خرید و جذب کارا لاهای سرمایه‌داری بودند. دهقانان بشیوه عقب مانده‌ای استنار می شدند و نیروی کارشان از دیدگاه بور - زواری وابسته باطل مانده بود. کارا لاهای امپریالیستی بر اثر استقرار اقتصاد طبیعی در روستاها، کمتر به آنجا راه می یافت. لذا دگرگون کردن مناسبات اقتصادی فئودالی در روستاها ضروری بود.

۵- تبدیل اقتصاد ایران بیک اقتصاد مصرفی که در آن کارا لاهای امپریالیستی به میزان وسیع جذب کرد و با زاردا خلی کاملاً در اختیار امپریالیسم و بورژوازی وابسته قرار گیرد، یکی دیگر از هدفهای "اصلاحات ارضی" بشمار می رفت. نا بودی کشاورزی دهقانی ایران و وابسته شدن اقتصاد کشور به واردات کشاورزی امپریالیستها، جنبه دیگری از منافع امپریالیسم آمریکا را تشکیل میداد.

۲- "اصلاحات ارضی" بهیچوجه حمله یک رفیرم بورژوازی راه‌نداشت. اگر بورژوازی در دو قرن پیش با شعار اصلاحات ارضی، توده‌های دهقانی را به دنبال خود میکشید و هدف آن توسعه و تحکیم بازار صنایع داخلی بنفع توسعه سرمایه‌داری، تکامل نیروهای مولده، نا بودی فئودالیسم بود. "اصلاحات ارضی" امپریالیستی که بدست ناها انجام شد مبتنی بر نیازها و منافع سرمایه‌داری وابسته کندیده و خلقی بود. در واقع بدنبال "اصلاحات ارضی" نه تنها تولیدات داخلی و اقتصاد ملی بشمار از پیش مورد تهاجم و محدودیت قرار می گرفت. بلکه این "اصلاحات" راه‌گشای گسترش حضور نفوذ سرمایه‌داری خارجی در اقتصاد دویا زاردا خلی و رشد سرمایه‌داری وابسته امپریالیسم در شهر و روستا گردید.

۳- اصلاحات ارضی امپریالیستی، عقب نشینی ارتجاع در مقابل تهاجم و رشد جنبش انقلابی نوده‌ای نبود. هر چند که یکی از اهداف سیاسی امپریالیسم آمریکا ازین بردن انگیزه‌های رزانی نوده‌های دهقانی حتی بطور موقتی و مفا لیه با پنا بسبب انقلابی با نفوذ جا معدود. دلیل این امر اینست که اگر این مسئله عقب نشینی امپریالیسم در دوران اعتلای انقلابی بشمار رود، قا ندها در هنگام فروکش کردن جنبش با یستی دویا رهین گرفته شود. در حالیکه ما نا حدان بودیم که اصلاحات ارضی در مجموع مطابق آنچه که را بسند در سال ۴۱ طرح رفیری نده بود. با همان مضمون و محتوا در جهت نیازها و اهداف امپریالیسم اجرا شد.

۶- و با لافرا به ایجاد یک قشر رفیرنده دهقانی که با استفاده از کارا لاهای امپریالیستی در جهت رشد بورژوازی و از نظر اجتماعی نیز با بگاها و حافظ رژیم ناها شد، می توانست یکی دیگر از اهداف امپریالیستها در اجرای اصلاحات ارضی باشد. در عین حال وابستگی شدید اقتصاد ایران به امپریالیسم، رشد جنبش قشری را بویژه در سالهای اخیر ازین برده

قبلاً مخونین ۱۵ خرداد ۴۲ که مفا وبت نوده‌ای به ویژه توده‌های خرد بورژوازی شهر در برابر این تهاجم ضد خلقی امپریالیسم و عمل ارتجاعی نوده اعتبار خیانت بورژوازی ندا انقلابی و نا توانی و ضعف سیاسی - اندکولوژیک و نامزای خرد بورژوازی، فقدان حضور و نفوذ فعال سازمانهای انقلابی و بی سازمانی و پراکندهی توده‌ها سرعت توسط ارتجاع سرکوب شد. ارتجاع با غلبه بر بحران اقتصادی و سیاسی و اعتلای انقلابی در این دوره (۴۲-۴۸) توانست با حفظ سلطنت بوسیده پهلوی، تشدید احتیاج و فشار، مناسبات سرمایه‌داری را در جهت توسعه و تعمیق وابستگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه طی یک دوره توسعه داده و ساختار معدود دگرگون سازد. از آنجا که مضمون اصلی و فرعی که توسط امپریالیسم و ارتجاع دست نشانده آن در روز ۶ بهمن ۴۱ به "رفراندم" شد عمدتاً مربوط به مسئله ارضی بود، ما در زیربط طور خلاصه در مورد "اصلاحات" امپریالیستی و ویژگیها و نتایج آن نکاتی را یادآور می شویم.

نوع مالکیت	سابق	تجدید	موقوفه	سلطنتی	شش دانگی	خرده مالکی	دانگی
درصد	۰/۵	۰/۶	۱/۸	۴/۰	۲۳/۴	۴۱/۹	۱۰/۹
						خرده مالکی (اریاب - رعیتی) و (خرده مالکی عامل دهقانی)	
درصد	۰/۵			۲۶/۰			۵۲/۸

جدول ۱- وضعیت مالکیت بر زمین قبل از "اصلاحات ارضی"

سلطنتی - املاک متعلق به دربار .
موقوفه - املاکی که از طرف شخصی وقف شده باشد.
خالصه - املاک دولتی
مخلوط - ما نندهی که نصف آن خالصه و نصف دیگر آن دانگی باشد.
ما خذ - جمشید به نام: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران

شش دانگی - دهی که تمام آن متعلق به شخص واحدی باشد.
دانگی - دهی که چند مالک دارنده شرطی که هزبسم هرکدام کمتر از ۱ دانگ نباشد.
خرده مالکی - دهی که میزان مالکیت هر مالک کمتر از یک دانگ باشد.

۱- این اصلاحات نه بدست توده‌های زحمتکش دهقانی، بلکه مستخادبست فئودال بورژواها بورژوازی وابسته و طراحی امپریالیسم آمریکا انجام می گرفت. بنابراین هدف اصلی از اجرای آن نه زمین دار کردن دهقانان بنفع خود آنان، بلکه سرمایه‌داری کردن فئودالها و گسترش وابستگی اقتصادی همه جا نده و دربر گرفتن روستاها و کلا در چهارچوب منافع امپریالیسم و ارتجاع انجام میگرفت.

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

مبلغ را بخود اختصاص داده است. بدون شک اگر بخوا هم سهم تولید کشتا ورزی را از آنچه که مربوط به تولید هفتا می شود از تولید سرمایه داری ارضی جدا کنیم، خط مربوط به کشتا ورزی در نمودار را سیر نزولی خواهد داشت زیرا همواره توده های عظیمی از دهقانان زبیر با رقرض، زمین های خود را رها کرده و آوار شهرها شده اند. نمودار ۲ سهم تولید کشتا ورزی را نسبت به تولید ناخالص ملی بصورت درصد نشان می دهد (خط پر).

همانطور که ملاحظه می شود در فاصله بین سالها همواره سهم کشتا ورزی در تولید ملی کاهش یافته است. در همین حال در این فاصله جمعیت کشتا ورزی ایران بر اثر مهاجرت روستائیان به شهرها سیر نزولی داشته است.

این مسائل تا حدودی می تواند نتایج "املاحات ارضی" شاه را نشان دهد. مادر آئینده سعی خواهد کرد در مورد نهادهای ارضی مقالات دیگری منتشر سازیم ■

- (۱) - خسرو خسروی: جامعه شناسی روستایی ایران.
- (۲) - بر طبق آمار بانک مرکزی، تورم بین سالهای ۴۹ تا ۵۷ بالغ بر ۱۴۱/۵٪ بوده است. ولی در طبق این سالها افزایش قابل ملاحظه ای در نرخ هزینه محصولات اساسی کشتا ورزی نظیر گندم و جو، برنج و چغندر بعمل نمی آید و در طول این سالها نرخ خریداری شده این محصولات ارکشا ورزان ارطرس وارد کردن این محصولات ارکشورهای امیربالیستی یا کسب نگاه داشته شده.

بقیه از صفحه ۵

هیئت حاکمه ...

و بسته به آنها و نسبت داد و ستد انقلابی و "آمریکائی" و "اخراجی" بشما نیابتی کوچکترین خلی در اراده مضمنان برای ادا ممالغ فدا میربالیستی - فد ارتجاعی باشد. اقدامات اخلاقی همچون "گروسی" حتی اگر خیرخواهانه باشد، نیابتی باعث خوش باوری شما نسبت به هیئت حاکمه شود و از اینکسار انتقالی شما برای ممانعت از آنها جلوگیری کند.

رفقای هادار و نیروهای انقلابی!

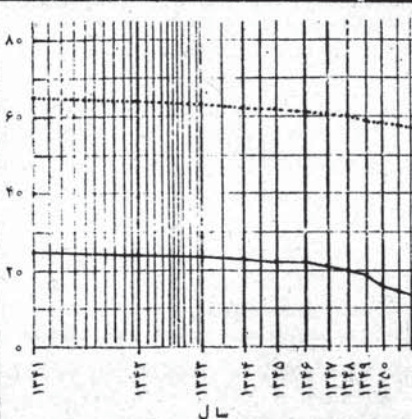
۱- در ممانعت از آنها با رتزمان های خالی توسط زحمتکشان دقت کنید که آنها با رتزمان های کوچک متعلق به سرمایه داران کوچک مورد ممانعت قرار نگیرد. این کار با نیابتی یا کار توضیحی در میان زحمتکشان انجام گیرد. همینطور در مورد ممانعت از زمین ها برای خانه سازی این مسئله با نیابتی مورد توجه قرار گیرد.

۲- در افشای ماهیت فدخلتی هیئت حاکمه و ترغیب زحمتکشان به انجام امینکار مستقل خود با نیابتی به اقدامات خانه سازی گروسی نیز بر خورد مشخص کنید. مضمون برخورد با افرادی نظیر گروسی برای این پایه استوار است که اقدامات این افراد حتی اگر خیرخواهانه هم باشد از آنجا که مانع ابتکار انقلابی و مستقل توده ها شده و میدانها را به بخش هیئت حاکمه بیشتر می کند، عملاً در جهت منافع هیئت حاکمه است.

۳- تشکیل کمیته ای از نمایندگان ممانعت کنندگان برای جلوگیری از هرج و مرج، تداوم مبارزه انقلابی در برابر حملات ارتجاع و آگاهانه کردن مبارزه توده ای ضرورت دارد. عناصرا گشاه با نیابتی در تشکیل این کمیته ها نقش فعالی داشته باشند ■

۱۳۳۵ نشان می دهد
هما نظور که از جدول ۱ مشاهده میشود تقریباً در کلیه روستا های ایران روابط ارباب - رعیتی وجود داشته است. در ۴۶٪ از دهات بزرگ مالکی با همان روابط ارباب رعیتی وجود داشته که در اشکال مختلف بزرگ مالکی بصورت ملک (شخصی)، دولتی، وقفی، سلطنتی بوده است. طبق یک آمار دولتی، تنها یک نفر در ایران ۲۱۵ دهه شادانگ داشته است (۱). اجرای "املاحات ارضی" امیربالیستی تغییرات مهمی را در شیوه استثمار زحمتکشان و در جهت توسعه مناسبات سرمایه داری و بسته در شهرها و روستا ها بوجود آورد. شیوه استثمار دهقانان که در دوران تسلط مینو آلیسم بر روستا ها بوسیله جذب کار ارضی - دهقان توسط مالک انجام میشد، در شیوه تولید سرمایه داری و بسته شکل دیگری یافت. در اینجا بخشی از نیروی کار دهقانان (دهقانان کنده شده از زمین) بوسیله صنایع وابسته، کشتا ورزی مکانیزه و ساختمان سازی و ... بجنب سرمایه داران وابسته و سرمایه داران لیبرال و امیربالیسم می رود. بخش دیگر دهقانان که همچنان منبع اصلی تولیدشان شیوه تولید خرده مالکی است، ارزش آفاقی حاصل از کارشان چه مستقیماً توسط شرکتها یا تعاونی، بانک های دولتی و ... چه غیر مستقیماً بوسیله انحصار خرید یک جانبه محصولات عمده کشتا ورزی توسط دولت و ثابت نگه داشتن قیمت محصولات کشتا ورزی در مقابل رشدی وقفه تورم (۲)، بجنب انحصارات دولتی و وابسته امیربالیسم می رود.

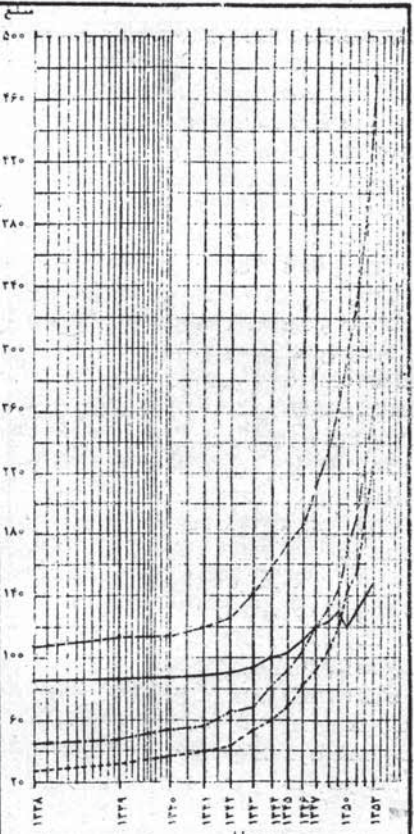
از هنگام املاحات ارضی تا به امروز، سرمایه داری بر اقتصاد کشتا ورزی ایران وارد آمده است. سرمایه داری در رشته های غیر تولیدی، بجز حصرت آوری رشد کرده است. نمودار ۱ تولید ناخالص ملی را بر حسب رشته کشتا ورزی، نفت، صنایع و معادن و خدمات نشان می دهد. همانطور که ملاحظه می شود، در حالیکه در فاصله سالهای ۵۲ - ۳۸ تولید کشتا ورزی رشد بسیار کندتری داشته است، سهم مربوط به خدمات که یک رشته غیر تولیدی است چهره شایسته آوری داشته است و همواره در میان رشته های اقتصادی پیشترین



نمودار ۲ - درصد تولید کشتا ورزی در تولید ناخالص ملی (خط پر) و درصد جمعیت روستائی نسبت به جمعیت کل کشور (نقطه چین) در سالهای مختلف. ماخذ - بیان آماری تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران - مرکز آمار ایران. مقیاس: لگاریتم.

بود، زیرا که نسبت یک جانبه نرخ محصولات اساسی کشتا ورزی توسط دولت، واردات سرمایه آور محصولات کشتا ورزی از خارج و ... هزینه مملکتی بر اقتصاد روستائی وارد آورد و اقنار مرنه دهقانی را هم تحت فشار قرار میداد. و این عملکردها از سوی دیگر اقنار رفیق دهقانی را فقیرتر کرده و سبب تشدید مهاجرت آنها به شهرها گردید.

و صیت مینو آلیسم در ایران قبل از "رفرم ارضی" چه بود؟ جدول ۱ میزان مالکیت ارضی را در سال



نمودار ۱ - تولید ناخالص ملی بر حسب گروه های اصلی فعالیت های اقتصادی به قیمت ثابت در سالهای مختلف (میلیارد ریال)

کشاورزی
نفت
صنایع و معادن
خدمات

مقیاس: لگاریتمی

کشاورزی شامل زراعت، دامپروری، جنگلکاری، ماهیگیری و شکار.

نفت شامل درآمدهای است که از اکتشاف، استخراج، تولید و توزیع مواد نفتی عاید شده است.

صنایع و معادن شامل صنعت، معدن، ساختمان، آب و برق.

خدمات شامل حمل و نقل و ارتباطات، بانکداری، بیمه گیری و دولتی، بازرگانی داخلی، کرایه مسکن، خدمات دولتی و خدمات خصوصی است.

ماخذ - بیان آماری تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران - مرکز آمار ایران ۱۳۵۵.

اخبار و مسائل جهانی



آمریکا زیر پرچم "الله": "پیمان اسلامی" دوباره احیاء میشود!

از نخلزینتکروزیر دفاع اسبق آمریکا ورشپس اسبق "سا" وزیر انرژی اخیراً آمریکا (کابینه کارتر) نقل میکنند که در نطق شوبیع خود گفته است: "بهترین راه برای تا مین منافع آمریکا در خاور میانه، حمایت از الله است" (۱)

این سیاست تازه ای نیست. در پشت هر دلار آمریکا بی نیز جمله IN GOD WE TRUST (ما به خدا اعتماد داریم) بچشم میخورد. در پهنه سیاسی - دیپلماتیک و معادلات بین المللی، این سیاست تا کنون به انگال مختلف ظاهر شده است:

پس از حنک جهانی دوم و آغاز تسلط امپریالیسم آمریکا بر منطقه خاور میانه، چنانچه در تلاشهای گسترده و پیچیده آمریکا برای مقابله و سرکوب خلقهای تحت ستم و بیابا خاسته این منطقه میمانند - سلاخیها و توطئههایی که هدف آنها غارت و جابجایی و سرکوب و بیشرتهای طبیعی و انسانی این منطقه است. توسعه طلبی و جناح آمریکا در این منطقه، ابتدا بصورت مقابله با جنبه منحل خلقهای ستم دیده وارد و کما هو سابقا لیستی بود ولی از او خرابیهای ۱۹۵۰ بعد و تسلط روبروسیسم ریح حزب کمونیست اتحاد شوروی و تبدیل این کشور به سوسیال امپریالیسم، مواجهه آمریکا از یک طرف و بطور عمده علیه خلقهای تحت ستم و از طرف دیگر در رقابت با ابرقدرت شوروی تجسم می یابند. بدون شک خلقهای این منطقه، امروز هم در برابر آمریکا قرار دارند و هم از سیاست توسعه طلبی شوروی رنج میبرند. هر یک از دو کشور آمریکا و شوروی می گویند شما دلقهای آتین منطقه را با کشور رقیب (شوروی یا آمریکا) را با بهای برای نفوذ خود و جنبه بندی علیه دیگری قرار دهند. بیچیدگی میازرات انقلابی، استقلال طلبانه و ترقیخواهان خلقهای منطقه، امروز از اینجا نمی میشود که آنها کوئی در دهان نه یک گاز از نیرو واقع شده اند. آنها هر چه بیشتر این خلقها را سرکوب و متروک و خرد و خطر مفرق و مترسود آتین را بسوی استقلال دمکراسی و سرانجام سوسیالیسم رهنمون شود.

تجاهم و توطئه آمریکا که با ما علیه خلقهای منطقه و بیمنتظوراً رت هر چه بیشتر آنهاست، طبیعی دهه های اخیر عمدتاً بصورت انقراض دفا ردا دهی نظامی با حکومتهای دست نشاند در این منطقه و وارد کردن آنها به پیمانهای نظامی پیاده شده است. سابقاً ۳ پیمان نظامی سرکردگی آمریکا میگویند بصورت حلقه ای، شوروی را در محاصره گیرد. پیمان ناتو (اتلانتیک شمالی) (کشورهای اروپای غربی را در بر گرفته تا ترکیه کشیده میشود. بعد پیمان

بغداد (که از ۱۳۳۷ بعد سقوط رژیم سلطنتی در عراق، پیمان سنتونام گرفت) تا مل کشورهای ترکیه، عراق، ایران و پاکستان میشد. پیمان آسیای جنوب شرقی (سیتو) که پاکستان را با چند کشور دیگر در جنوب و جنوب شرقی آسیا: فیلیپین، تایلند و مالزی در بر می گرفت، حلقه محاصره را تکمیل میکرد. البته انگلستان هم در تمام این پیمانها حضور داشت و ترکیه و پاکستان، مفضل هر سه پیمان بودند. امپریالیسم آمریکا بدستکاری انگلستان، برای تا مین شرایطی که این پیمانها را ممکن سازد به توطئه های گوناگون دست میزدند. منجمله کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مقدمه انقراض پیمان بغداد (۱۳۳۴) بود. میازرات خلقهای منطقه و غربیانی که از این رهگذر بر سر کرا میرا لیسیم وارد میامد (و نیز کوششی که از سوی شوروی برای درهم شکستن این حلقه محاصره - بعنوان عامل درجه دوم - جد بصورت کمک به نیروهای ضد آمریکا شدی و چه به صورت توافقی بین المللی با آمریکا انجام میشد) منجر به از هم گسستن این حلقه محاصره در چند نقطه گردید، بطوریکه این پیمانها بسویزه پیمان سنتوعلت وجودی خود را تا حد زیادی از دست داد و انقلاب تا تمام ایران تیر خلاص آنرا شلیک کرد.

● موضع وزارت خارجه ایران و همدستی آشکار با آمریکا خنجر می است که این بار از زویر بر سینیه زخمگشای ایران که عمیقاً ضد امپریالیست و ضد ارتجاعی می باشند، زده می شود.

در برابر این ضربات، امپریالیسم آمریکا، برای حفظ منافع استراتژیک خود، چه از لحاظ مواد نفتی منطقه خلیج فارس که حدود ۶۰٪ از ذخایر زیرزمینی جهان را در خود نهفته دارد و چه از لحاظ موقعیت استراتژیک نظامی همواره کوشیده است. اخیراً (توسط بدل) های تازه ای را جهت گرد هم آوردن دست نشاندگان خود با اصطلاح برای حفظ آنها از "خطر کمونیسم" در آستین داشته باشد. ترومن رئیس جمهور آمریکا در ۱۹۴۷ خطی بدوریونان، ترکیه و اینتالیا کشید و آنرا منطقه حیاتی آمریکا نامید، خطی که بدترین ترومن معروف شد. بعدها آیزنهاور به کشورهای خاور میانه پیشنهاد داد که برای دفاع از آنها در مقابل "کمونیسم" بدانها کمک نظامی کند و بر اساس آن، در ۱۹۵۸ دولتشان دخالت نظامی کرد، این سیاست نیز به بدترین آیزنهاور و همسرف گشت (۲) بعدها تحت تاثیر برنجان و ویشتام دکترین نیکسون مطرح شد که بر اساس آن جنبشهای فدائیمیر -

با لیستی هر منطقه یا بد بسویله دست نشاندگان آمریکا در همان منطقه (البته با کمک همه جا نیبه آمریکا) سرکوب شود. شاه بر همین پایه زانندارم آمریکا در خلیج فارس گشت و به سرکوبی جنبش انقلابی خلق عمان پرداخت. و حالا کارتر "پیمان اسلامی" را پیش کشیده است. "پیمان اسلامی" که قرار است در برگیرنده رژیمهای کشورهای اسلامی و البته به آمریکا باشد قبلاً در اوائل سالهای ۱۳۴۰ نیز ظاهراً با بتکار عربستان سعودی مطرح شد. اما علیرغم تلاشهای شاه و ملک فیصل پادشاه سابق سعودی، بجای نی رسید. مبارزات خلقهای عرب و موافق مترقیان نه عبدالنصر این طرح را همچون تخم مرغ گندیده ای به دیوار کوبید. تا امروز تلاشهای بیگسیر آمریکا برای بدام انداختن کشورهای عربی، علیرغم حاکمیت ارتجاع

● ماعلیه سوسیال امپریالیسم شوروی مبارزه میکنیم ولی هرگز اجازه نخواهیم داد که قدرت ارتجاعی حاکم بر ایران زیر لوای مبارزه با نفوذ خارجی و سلطه شوروی، از هان توده هارا از مبارزه بر علیه آمریکا منحرف سازد.

در بسیاری از این کشورها، در نتیجه جوفدا میریالیستی و ضد سوسیالیستی و مبارزات خلق فلسطین به شکست انجامیده است. موفقیت این تلاشها عمدتاً در انقراض ملج مصر و اسرائیل بوده که این نیز با وجود ضربه سختی که به مبارزه اعراب زده، بسویزه خود با بهای حاکمیت ارتجاع در مصر و نیز دیگر مناطقی عربی را ضربه پذیر ساخته است.

اکنون پس از تجربه ایران و مطالعات ممتد و گسترده ای که امپریالیستها در قبال نقش مذهب در ایران و دیگر جاهای منطقه عمل آورده اند، همانطور که در ابتدای مقاله گفتیم، به این نتیجه میرسند که باید زیر پرچم "الله" رفت! (۳)



دخالت نظامی شوروی در افغانستان موجود شده است که افغانستان طی نیم قرن گذشته بسوی اولین بار نقش استراتژیک جهانی خود را بازیابد کارتر همدست با رهبران خائش چینی، میگویند کشورهای ارتجاعی منطقه را تحت عنوان تشکیل یک کنفرانس اسلامی گرد هم آورده مکان ایجاد اسک "پیمان اسلامی" زیر نظر آمریکا را بررسی کنند. زمان و مکان انعقاد این کنفرانس و شرکت کنندگان در آن بدقت مورد مطالعه قرار گرفته است. سعودی، این بقیه در صفحه ۱۷

(۱) - نشره راهی شماره ۷ - نقل از هرا لند - تریون (شهریور ۵۸)
 (۲) - همچنان بدست اشاره کنیم که ما ندگان سوروزاری لیسرال ایران که دیگر راهی جروا بستگی به آمریکا برایشان سود یعنی بران حصیه ملی (اللهیا رمالی و دکترسنجاسی و...) در سال ۳۷ یعنی ۵ سال پس از کودتای ۲۸ مرداد دکترین آیزنهاور را پذیرفتند!
 (۳) - یکی از نویسندگان لیسرال عرب به آمریکا هندا رسیده که قبل از مومگیری لیه با علیه خمینی فکر کند چه کسی بهتر از او میتواند در کنفرانس را استعمار در برابر کمونیسم جهانی - باستند؟! (المستقبل ۲۲ دسامبر - دی ماه ۵۸).

زیگراگهای ضد انقلاب وانعکاس يك جانبه آن در صف انقلاب (۵)

نگاهی به مواضع سیاسی "حقیقت" در مرحله اخیر

در شماره بیستین، مواضع "حقیقت" را در مرحله اول از دوره سوم مورد ارزیابی مختصر قرار دادیم، اکنون مکتوب ما این مواضع را بطور اجمالی در بررسی

از جنبه‌های آن، در مرحله اخیر، مرحله دوم از دوره سوم مورد بررسی قرار دهیم. همانطور که در مقاله "ریزگرگهای ضد انقلاب..." (ضمیمه پیکار ۲۴) توضیح دادیم، در این مرحله، بر اثر رشد انقلاب و گسترش جنبش انقلابی توده‌ها، شکست ضد انقلاب در کردستان و وردستان قضاوت و درگیری میان جناح‌های مختلف قدرت سیاسی حاکم، جرحی در تاکتیک‌های هیئت حاکمه و جناح‌های مختلف آن بوجود می‌آید. در کردستان تاکتیک "تسری" جای خود را به تاکتیک "طرح" و عقب‌نشینی میدهد. و حتی از هیئت حاکمه تاکتیک هماهنگی ظاهری با جنبش کمونیستی بوده را در پیش می‌گیرند و با عوض کردن تبلیغات "آنتی-کمونیستی" خود در یک مرحله، به حمله بردازی "ضد امپریالیستی" دست می‌یازد. پس تمیز تاکتیک، زمینه‌ساز در ردرویزونیسم در جنبش کارگری و کمونیستی را فراهم می‌سازد و خطوط سیاسی کوتاه‌کون را با برجستگی بیشتر بازمی‌نمایاند. تا این سیستم مواضع "اتحادیه کمونیستهای ایران" در این دوران چگونه است.

۱- مواضع "حقیقت" در قبال خرده بورژوازی

"حقیقت" شماره ۴۷ در مقاله "خط‌ها روشن‌تر می‌شود"، می‌نویسد: "تباری از خواسته‌های اساسی مردم در مبارزه با امپریالیسم که ۹ ماه به وسیله دولت و شورای "انقلاب" سازشکار پشت‌کوش‌انداخته شده بود، دوباره سرزبان‌های مردم آمد و یکمدا فریاد کردند و این ضربه جدی به بیگناهی امپریالیسم و ارتجاع می‌باشد. سرما به گذاران انحصارگر آمریکایی و مستشاران و جاسوسان نظامی که پنهانی و آشکار دوباره سر و کله‌شان در ایران پیدا شده بود، دوباره با سفر راستند و گورشان را گم کردند. سرما به داران وابسته که با پشتیبانی دولت سازشکار آرام آرام وضع را ماسع می‌یافتند، ناگهان وضع را دگرگون یافتند (چرا ناگهان؟) و دیدند کارگران عملاً در پی ملی کردن کارخانجات و موسسات وابسته به امپریالیسم آنها هستند. سزای ارتش محمدرضا‌ها که دوباره از سرکوت وجود لیب‌الهای سازشکار و ولایت فقیه‌های مکار با ل و پیرباخته و لیب‌ت خریدار سلحه و مهمات می‌دادند، به لاک خود فرو رفتند. ملاکان و بورژوا فئودالها که املاک ارضی بزرگ خود را دست نخورده دیدند و لولوی قانوسی را به سراغ خویش یافتند، ناگهان مواج با خواسته‌های انقلابی و انقلاپی و مردم‌دوستانه که از "شورای انقلاب" خواستار حل فئودالیسم در ایران شدند...

آری بزرگترین ضربه را امپریالیسم و استکان آن در ایران تاکنون خورده اند و نوش جان نماند! ("حقیقت ۴۷"). این تغییر "ناگهانی" در اوضاع، که در پی آمد خود اینهمه "دست‌آورد" داشته است، چه معجزه غریبی است؟ آیا "انقلاب" دیگری صورت گرفته است، که چنین "گام"‌های بلندتری در "نکات مل" مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی ایران را بتوان توضیح داد؟ یا اینکه مردم ایران بکشیه خواب‌نما شده و "ناگهان" دریا فتنه‌انگه و ماصیبتا! در این ۹ ماهه در "سیرا هه" حرکت می‌کرده اند و سپس همگ کرده اند تا چنین "طوفانی" را بوجود آورند که دنبال خود "بزرگترین ضربه" را بر بیگناهی امپریالیسم و ارتجاع وارد نماید؟ تا آنجا که ما جستجو کردیم، نه از این "دستاورد"های عظیم "خبری دیدیم" و نه از آن رفت و برگشت‌های انقلاب ایران و جنبش انقلابی مردم. آنچه ما مشاهده کردیم می‌کنیم به‌ی‌های استوار سرما به‌داری وابسته ایران است، که کماکان در مصلحت‌حافظان جدیدش در قدرت سیاسی، به زندگی غارت‌کرانه و استثمارگرانه خود، در همه‌شئون مادی زندگی توده‌های زحمتکش ادامه میدهد. و کارگران و زحمتکشان ایران را در زیر بار زبانه‌بهره‌کشی، حصاران اقتصادی و فشار مادی خود خرد می‌کند. کارگران و زحمتکشان می‌بینند که

مظاهر اصلی ستم امپریالیستی که در بقیه سیستم سرما به‌داری وابسته ایران متجلی می‌شود، کماکان برقرار است. هیئت حاکمه نیز جز جمله‌هایی فربیکارانه ضد امپریالیستی هیچ اقدامی در جهت ضربه زدن به این مظاهر اصلی ستم امپریالیستی نبرداشته‌اند. نه انحصارگران غارتگر بین‌المللی در اثر این تغییر "ناگهانی" فراری شده و گورشان را گم کرده‌اند، و نه سرما به‌داران وابسته "ناگهان" وضع را دگرگون یافتند و بلاخره نه "ملاکان و بورژوا فئودالها" ناگهان مواج با خواسته‌های بسیاری از نیروهای انقلابی مردم شدند. پس واقعیت چیست؟ چرا "حقیقت" این چنین هولزده می‌گردد حقا بسو را غیر واقعی جلوه دهد؟ از "حقیقت" تا بدیرسد که جز یکی دوشرکت وابسته به نام شرکت‌های حفاری نفت سدکو و سدایران و... سوسله کارگران قهرمان آنها، ملی اعلام شدند، کداسی "کارخانجات و موسسات" وابسته به امپریالیسم توسط رژیم، ملی شده‌اند؟

شکی نیست که در جریان رشد مبارزات ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی اخیر خلق قهرمان ایران، امپریالیسم صریحی از لحاظ سیاسی، چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح داخلی دریافت نمود. مبارزاتی که به‌طور "ناگهانی" بلکه در ادامه مبارزات رشدیافته مردم میهن ما س از قیام شکل گرفته و سداوم یافت است. اما خواسته‌های اساسی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی مردم، که مبارزاتشان به‌حول آن شکل گرفته است، با مقاومت ارتجاعی هیئت حاکمه که می‌گوشد این خواسته‌ها را در محدود و یک سلسله اقدامات رفیرمیستی بدینند

کند، روبرو شده و نتوانسته است صورت تحقق بخود بخشد. لیکن "حقیقت" از ضربات "جدی" بر بیگناهی امپریالیسم، سرما به‌داران وابسته و ملاکان و بورژوا فئودالها سخن می‌گوید و معتقد است که "امپریالیسم" و "استکان آن" در ایران "بزرگترین ضربه" را "نوش‌خان" کرده‌اند! باید پرسید که تئوريات عملی این ضربات "جدی" بر سیستم سرما به‌داری وابسته از عقب‌نشینی فئودالها در کجاست. اگر منظور ما رزگاران بخا ظرفی کردن موسسات امپریالیستی است، که اس سال ۱۹۹۰ ماه است ادا شده‌اند، و همچنان در سطح "خواست" و مبارزه در راه محقق آن باقی مانده است.

اگر مقصود جنبش عظیم دفاعی در سرازیر زمین‌داران بزرگ و بیگناهی فئودالیم و بوروکراسی وسیع دولتی است که اس سال ۱۹۹۰ ماه هم‌محسان ادا شده است و روبرو بزرگ‌ترین می‌یافت است. و امروز سرفظ شده است. دستاوردهای انقلابی این جنبش نیز به‌طور "ناگهانی" در اس مقطع، بلکه کامپگار مدرتی این دوران مبارزه توسط خود هفتان حاصل شده است. حقیقت چیست؟ آن عامل معجزه‌آسائی که "ناگهان" و در یک مقطع کوتاه، اوضاع را آنچنان "دگرگون" کرده است که دیدگان "حقیقت" را به تحسین و آاداسد کند؟ "حقیقت" خود گره‌ها می‌کشد:

"بورژوازی لیبرال و نماینده‌اش بزرگان که سبباً را از انحصار رطلمی سکود و شکایت می‌کنند ولی خود در قیصه کردن و انحصار قدرت برآید است. ۹ ماه تمام خرده بورژوازی را سر علیه طبقه کارگر و نیروهای انقلابی و جبارانند و جهت اصلی مبارزه را منحرف ساخت ولی با افتادن جهت مبارزه سرروزی خط صحیح ضربه‌ای در خود دریافت داشت."

بدین ترتیب مطابق نظر "حقیقت" عامل اصلی بوجود آورنده تغییرات "ناگهانی" در اوضاع جامعه، بازگشت خرده بورژوازی به "خط قبلی" خود و افتادن مبارزه مردم توسط این نیرو "سرروزی خط صحیح" است. در واقع براساس این نظر، خرده بورژوازی با دست‌باز زدن به یک کودتا بر علیه بورژوازی و امپریالیست‌ها، سرما به‌داران وابسته، فئودالها و... پس از ۹ ماه حرکت شاه‌سنا به با آنها، بورژوازی را از خود می‌داند و طوفانی در سطح جامعه بدینمی‌آورد که

ماسک آزادیخواهی و ضد امپریالیستی لیبرال‌های سلطنت طلب دیروز را از چهره آنان برداریم

در پی آمدن "بزرگترین ضربه" به امپریالیسم وواستگان داخلی آنها وادمی - آید .

سؤال ما از "حقیقت" این است که تجلیات این کودتا در کجا است؟ ترکیب هیئت حاکمه کنونی چه تغییرات اساسی نسبت به سابق بوجود آمده است؟ آیا تغییراتی است که در ساخت کنونی شورای انقلاب (هیئت حاکمه امروز) مهره ها همان مهره های سابق دولت و شورای انقلاب هستند . (بجز تغییرات جزئی و ناچیز) . مگر جز این است که بازرگان، مهره اصلی دولت سابق، از دست نخستی و زیر پرکنز آمده و "شورای انقلاب" منتقل می شود؟ مگر نه این است که "بزدی" این باور و امپریالیستها، بین از یک دوره فترت کوتاه مدت سوسله، اما منظمی می شود و بعنوان نماینده ما ما مورسیدگی به "شکایات" مردم می شود؟ مگر نه این است که "جبران" این عنصر فاشیست و عامل سرکوب خلق کرد، کماکان در پست خود باقی می ماند؟ بنا بر این تا شیرات مادی این کودتا بر علیه بورژوازی و امپریالیستها، در ترکیب هیئت حاکمه در کجا است؟

همچنین تا شیرات این کودتا در مجموعه سیاستهای هیئت حاکمه چه بوده است؟ چه ضربات اساسی بر امپریالیسم و امپریالیسم ایران وارد آمده است و چه اقدامات عملی از جناح جناح کودتا کننده جهت مصادره ملک زمین داران بزرگ و... بعمل آمده است؟ مگر نه این است که حتی آن اقدامات مستکبران و انقلابی - ای که از جانب خود مردم در جهت مصادره اموال و املاک سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ بعمل می آید، (مثلا اشغال مساکن و مصادره زمینهای باس) توسط آیت الله خمینی "عسری" نامیده می شود و سوسله "شورای انقلاب" اطلاعیه های شدیداً میزما درمی بود؟ کدامک از فراردهای اساسی اقتصاد - نظامی... افتاد و لغو شده است؟ واقعبت این است که حرکت اشغال سفارت سوسط خرده بورژوازی مرفه سستی و جناح بعدی آن، که حتی نمایانرا از دست این جناح میراث محدودی خارج کرد، چنان "حقیقت" را خیره کرده است و هماغوی بر ما بدسراسر آن از جانب این نیرو و سوسله کل هیئت حاکمه، این رفتار را نیز دچار نومه نموده است که کوبا براسی "انقلاب دومی" صورت گرفته است . "انقلابی بزرگتر از انقلاب اول" (نقل معنی از سخنان آیت الله خمینی) .

واقعبت این است که "حقیقت" عملاً بدام آن توهماتی می افتد، که خرده - بورژوازی با حرکت چرخشی آخر خود، در دهی نوده ها القا نمود. توهماتی که سبک درک روبرو سستی می انداخت و این اعتماد را در می زد که خرده بورژوازی مرفه سستی این را کودتا بر علیه بورژوازی و زانند آن از خود، انقلاب دومی را آغاز نمود، انقلابی که در ده ماهه اخیر و انحراف در مبارزه مردم و محمل خرده بورژوازی، در مبعیت و بحر رهبری خرده بورژوازی در قدرت، شروع شد حرکت نبوده است. این همان درکی است که روبرو سستیهای حاشی حزب، نبوده شکل مزبج نروهمها سدبری آن را غرولده می کنند و بدین ترتیب آن نظمی بر روی این جناح از ضد انقلاب می رسد. درکی که "حقیقت" را بدام تاکنک های هیئت حاکمه نیروی اندارد و او را بدینسان "متروط" (در عمل غیر متروط) خرده بورژوازی مرفه سستی، یعنی بخشی از ضد انقلاب کنونی می و امیدارد .

و اما بعد، "حقیقت" می گوید:

"سمازی ارخواسدهای اساسی مردم در مبارزه با امپریالیسم، که ۹ ماه سوسله دولت و شورای انقلاب "سازگار" رست کوشی انداخته بود، دوباره بر سر پاشیهای مردم آندو یکمدا فریاد کردند و این ضربه جدی بر سبکسر امپریالیسم و ارتجاع می یابد" . (همانجا)

"حقیقت" بیکره بر ما مبارزات پیشین نوده ها به حول خواسته های اساسی دیوکراتیک و ضد امپریالیستی تا ن خط بطان می کشد و عملاً نقطه آغاز است - مبارزات انقلابی و ضد امپریالیستی و طرح خواسته های اساسی را در حرکت و چرخش جدید خرده بورژوازی و تا شیرات باقی آن در جنبش نوده های خلاصه منی - کند. مبارزه ضد امپریالیستی مردم، مبارزه ای است ملموس حول خواسته های اساسی ملموس، از قبیل استقلال، نان، ممکن، آزادی، حق تعیین سرنوشت و... این مبارزه از همان ابتدای پس از قیام، کماکان در اشکال مختلف ادامه یافت و اگر در مراحل اولیه، خواستار تحقق بخشیدن به آن از سوی رژیم بودند، در مراحل بعدی تحقق آن را بدرج در مقابل جوشی به همین هیئت حاکمه جستجو می کردند .

در مناطقی چند دهگان علیرغم سرکوب رژیم، به مصادره زمین ها دست یاریدند و خواهرای خود را برپا نمودند. و در سایر نقاط مبارزات وسیع و گسترده ای را بر علیه زمینداران بزرگ و بیقایی فئودالیسم، آغاز کردند . کارگران، با سرمایه داران وابسته در اشکال مختلف به مبارزه برخاستند، بر علیه شوطنده های آنها به اقدامات عملی دست زدند، برای تحکیم نهاد های

دیوکراتیک خود منجمله شورا های مترقی و سندیکا های واقعی با سرمایه داران وابسته و نیز دولت به مقابل جوشی برداختند، ملی کردن واقعی موسسات را چه در اعصاب، تحصن ها و... چه در درخواست های خود از رژیم، طلب نمودند. خلقهای تحت ستم ملی، حادثترین مبارزه را بخاطر کسب خود مختاری و نابودی ستم طبقاتی زمین داران بزرگ، فئودالهای بازگشته و سرمایه داران وابسته آغاز کردند، و این مبارزه را تا حد مقاومت مسلحانه در برابر اقدامات سرکوب - گرانه رژیم ارتقا دادند .

اینها بودند خواستها و مبارزات عمیقاً دیوکراتیک و ضد امپریالیستی نوده ها، که "ناکھاتی" بوجود آمده بود، نه در طی این ۹ ماه از مسیر خود منحرف شده بود. و در این دوره اخیر، در اثر دم مسیحا شی خرده بورژوازی، در "خط صحیح" خود قرار گرفته بود. این خواسته های ضد امپریالیستی مردم نیستند که در طی این ۹ ماه از زبان مردم افتاده بود و امروز "ناکھان" بر سر پاشی مردم آمده است؟ بلکه این درک "حقیقت" نسبت به خرده بورژوازی مرفه سستی است، که چنین تصویری را در ذهن اوالقا میکند. درکی که چرخش اخیر خرده - بورژوازی را به مثابه دم مسیحا می که در مبارزات ضد امپریالیستی مردم "می دم"

● "حقیقت" از ضربات "جدی" بر پیکر امپریالیسم، سرمایه داران وابسته و ملاکان و بورژوا فئودالها سخن می گوید و معتقد است که "امپریالیسم و وابستگان آن" در ایران "بزرگترین ضربه" را "نوش جان" کرده اند! باید پرسید که تبلورات عملی این ضربات "جدی" بر سیستم سرمایه داری وابسته و عقب نشینی فئودالها در کجا است؟ اگر منظور مبارزه کارگران بخاطر ملی کردن موسسات امپریالیستی است، که این مبارزه ۹ ماه است ادامه دارد .

و خواسته های آنها را دوباره بر سر پاشی می آورد، تلقی میکند. و بدین ترتیب نه تنها بر ما مبارزات پیشین مردم چشم فرو بسته و بطوریکه تا به نسبت به توهمات نوده ها به هیئت حاکمه و خمینی قضاوت میکند، بلکه خود نیز بدام همان توهمات خرده بورژوازی فرو می غلطد. نوده ها را در موضع اعتماد به این جناح از هیئت حاکمه و سبک کل آن، پایدار نمی سازد. "حقیقت" تمام حرکات جنبش نوده ها را در حرکت خرده بورژوازی مرفه سستی، خلاصه میکند و چرخش جدیدی را که این نیرو در موضع ضد انقلاب و به سبب انفرادیست از پیش بدان دست یاریده است، نقطه آغازی برای چرخش انقلاب از انحراف به راه اصلی تکامل خود قلمداد می نماید :

"انقلاب ایران پس از یک سیرا ده ۹ ماهه، ... اکنون میتواند و باید راه و مسیراطی اشکال خود را با زیاده باز یافته است" . (حقیقت ۲۷، تاکنک از ماست) .

عجبا! پس در این ۹ ماه مسیراطی اشکال انقلاب ایران، که بدیده ما روز - روز را در نود و یک ملی واقعی را می ببیند، غلط نبوده است؟ آیا جنگ مردم کرد - ستان بر علیه ارتجاع و ضد انقلاب و مبارزه برای گرفتن خواسته های اساسی خود خلاف مسیراطی تکامل انقلاب ایران بود؟ نکنده که این جنگ نه ذاتی از جدت مبارزه طبقاتی و ملی در کردستان، بلکه محصول "شوطنده و ابر قدرت" بوده است؟! در غیر این صورت، "حقیقت" مبارزه مردم را در طی این مدت چگونه ارزیابی میکند و اصولاً "مسیراطی تکامل" انقلاب اینطور چیست؟ باز پس گرفتن ما، خاش و تصرف "خا سوسخانه آمریکا" یا نابودی واقعی سیستم سرمایه داری وابسته به ملی - ترین با بگاها امپریالیسم در ایران و با شکوئی به خواسته های واقعی زمینداران و خلقها، ... کدامیک؟

واقعبت این است که "حقیقت" از حرکات جدید خرده بورژوازی و خمینی چنان به وجود آمده است که مسیر و ماهنگامی انقلاب ایران را با یک زیاده برده است و حرکت این جناح از هیئت حاکمه را، عامل نجات جنبش انقلابی ایران از بیمودن بیشتر مسیراطی و بازگشت به "جهت صحیح" می داند. چرا که او معتقد است این حرکات بیانگر جدا شدن خرده بورژوازی و "امام" از زور و امپریالیسم و بازگشت به خط فکلی خود یعنی خط ضد امپریالیستی و انقلابی می باشد. بدین ترتیب این سؤال همچنان برای ما باقیمت که چگونه نیروی که در اینست ماه معتقد بود که :

"تا پورختیار ما حمایت امپریالیستهای آمریکا شی و از با بگاها قدرت نیروهای مسلح ناهشاهی و مهندس بازرگان، با حمایت خرده بورژوازی مرفه مسلط بر جنبش و از با بگاها قدرت جنبش نوده ای وارد بمداکره و مصالحه گردیده بودند" . (حقیقت ۲۶) .

و در حقیقت ۲۷ می گفت :

وجود داشت، اما زهان ابتدا روشن بود که "تهدید" بیشتر یک ژست سیاسی از سوی آمریکا بود تا ایران را وادار به نرمش و مصالحه سریعتر نماید. با وجود این هیئت حاکمه ایران با هاپسوی فراوان شروع به تبلیغ پیرامون این مسئله و جلب افکار عمومی مردم سبک امریکا ذب و غیرواقعی نمود. و تا زهد را این کار خود هم بیگانه بود آنچه را که در حرفه آن داد سخن داده بود، در عمل بدست فراموشی سپرد! ارتش بیست میلیونی، به افسانه شریستی تبدیل گشت که فقط در تصویر تلویزیونی و صدای رادیو می شد آن را سراغ کرد! در واقع هیئت حاکمه تلاش بر این بود تا از این سوژه، بعنوان وسیله ای برای انحراف افکار عمومی از مسائل و مشکلات داخلی و نارضایتی های روز افزون مردم از وضع موجود هیئت حاکمه، و گشتادن آن به سمت سوژه ای برجسته و کشش اما که ذب و غیرواقعی استفاده نماید. که البته چندان نا موفق هم نبود. نه تنها این موفقیت را در

● **حقیقت بدین ترتیب، نه تنها آلترا نایو سا زش میان دولت ایران با امپریالیسم آمریکا که محتمل ترین شق ممکنه است، از دیده فرومی اندازد بلکه در توضیح خطرات تهدید نظامی، گوی سبقت را از خود رژیم هم می رباید. و اظهار می دارد که تازه اگر رژیم هم قصد سازش با آمریکا را داشته باشد، آمریکا سرسازش نخواهد داشت! آمریکائی که از هزار طریق و راه درصدمه به سازش کشاندن رژیم کنونی ایران و خاتمه دادن به بحران کنونی است.**

مورد مردم، تا حدودی بدست آورد، بلکه بسیاری از نیروهای دموکرات و کمو - نیست را نیز بدان سو گشتاند. موضوع را بیشتر توضیح می دهیم:

اولاً: با توجه به موقعیت جنینش توده ای و خصلت تهدید صدا امپریالیستی و رادیکال آن، حمله نظامی آمریکا، این جنبش را پیش از پیش رادیکالیزه نموده و سیاست و نیروهای انقلابی را در رهبری جنبش تقویت خواهد نمود. آمریکا بر این واقعیت خوبی آگاه است.

ثانیاً: دولت ایران، بجز فرمهای چند اقداماتی اساسی در جهت قطع وابستگی به امپریالیسم آمریکا، انجام نداده است. و دولت آمریکا موفقیت راه حل سازش با جنبش دولتی را بسیار بیشتر می بیند.

ثالثاً: ارتش ایران، ارتش مستحکمی نیست که امپریالیسم آمریکا بتواند با آن کار کند. بدخالت نظامی دست زند. مگر آنکه بخواد هدف فقط نیروی اشغالگر خودمستکی باشد که البته قفا با ی و بیستما از یادش نرفته است!

رابعاً: تناقضات درونی خود هیئت حاکمه آمریکا، بسیار بدتر از آن است که بتواند تجربه جنبش اقدامی دست بزند. از سوی دیگر افکار عمومی آمریکا نیز، با توجه به تجربه بیستما ... مملأ علیه جنبش اقدامی است.

خامساً: درگیری در ایران، به علت موقعیت استراتژیکی کشور ما موضع گیری و مقابله احتمالی شوروی را در بر دارد. و آمریکا نمی تواند در این موضوع بی توجه بماند.

همانطور که گفتیم سیاست تبلیغاتی رژیم حول تنها جنبش ملی آمریکا وسیع افکار عمومی ایران حول آن، بسیاری از نیروها را به دنباله روی از این سیاست تبلیغاتی و گادب گشتاند. شکی نیست با توجه به اینکه نیروهای انقلابی احتمال جنبش حمله ای را از نظر دور نمی دارند می بایست از همین شرایط برای تبلیغات وسیع ذهنی توده ها و بالا بردن آگاهی های امپریالیستی آنسان استفاده می کردند. (کاری که ما نیز کردیم)، اما در اینجا تفاوت است بین سیاست انقلابی و روبریونیستی، فرق است بین دنباله روی از رژیم در این مورد و داشتن یک ارزیابی و سیاست مستقل.

حزب توده، با تبلیغات فراوان، برای اولین بار، احتمال "دخالت نظامی آمریکا" را هشدار می دهد در پی آن با پراکندن تزه های روبریونیستی و با سیفستی مرتجعانه خود تقویت "خط امام" را تبلیغ می کند و تضعیف این "خط" را کار دشمنان انقلاب می شمارد.

نیروهای دموکرات مذهبی نیز به دنبال همین شعارهای فریبنده رژیم برای هم اقتصاد و تشکیل "میلیشیا" ملحق را از رژیم درخواست می کنند. اما دید کمونیستها نیز بدنبال همین شعار رژیم برای هم افتد می افتد: "این با زکو کشته این حقیقت است که دارنده های امپریالیستی حاکم بر آمریکا بزرگترین دشمنان مردم ما و انقلاب مردم ما بوده و اگر دشمنان امپریالیستی زبون و محافظ محافظه کار حاکم به مقصد سرکوب نیروهای انقلابی مردم ما با آمریکا سازش کنند و کنار بیایند، آمریکا سرسازش نداشته (چرا؟!) و عاقبت هوای تجدید باط دیکتاتور فاشیستی سرا با وابسته خود را در دود را این راه حساب و کتاب نقشه می ریزد و توطئه بقیه در صفحه ۱۴

"فرمانهای اخیر آیت الله خمینی انقلاب ایران را جاداً به خطر انداخته است و... او محافظ نزدیک به او در درون روحانیت در سودای ... احیای محاکم شرع" است، در "حقیقت" ۳۹ قم را "مرکز توطئه" می دانست که "فرمان کشتار خلق دلاور کرد از هانجا ما در" میشد و در همانجا خمینی را در تلاش برقراری "دارالخلافت استبدادی" می دانست. و در "حقیقت" ۳۸، به جناح خمینی حمله میکرد که "لبه تیز حمله خود را متوجه درون انقلاب میزند" و "بصورت یک جریان معینی از صف مردم جدا می شوند" و... اکنون معتقد است که این جناح با تمام خصوصیات فوق، صدا میربا نیست گشته است و نه تنها خود بلکه انقلاب ایران را به "مسیر اصلی تکامل خود" زده راه به "خط صحیح" آن سوق داده است!

"حقیقت" تمام این پیشینه را از یاد می برد و با یک چرخش قلم در مورد خمینی و جناحش می نویسد:

"نیروهای دیگری که حاصل تجزیه درون روحانیت را با تندیر عاقبت و نما - بندگی آیت الله خمینی این حرکت صدا میربا نیستی را تا شد کرد نیستند ولیکن خواسته های اصلی خود را استردادنا ه قرار دادند... ولی باید تاکید کنیم که این نیرو قفا نه حرکت صدا میربا نیستی مردم پشتیبانی کرده و سران دمیده است... (حقیقت شماره ۴۷، تاکید از ما است).

واقعی این موضوع متناقض و مبنا در طی این مدت از شهر بیرون آسان را بدون حتی یک انتقاد کوچک به مواضع پیشین، چگونه می توان توضیح داد؟

۲- برخورد یکجانبه "حقیقت" به مسئله دخالت نظامی امپریالیسم

رفتن شاه به آمریکا، بدنبال سیاست حاکم بر هیئت حاکمه آمریکا، که جناح - ها شی از "دموکرات" ها (جناح جرح بال) و بخشهایی از "جمهوری خواهان" (نظیر هائسن) با این سیاست مخالف بودند، تعرضی نبود بدولت بازرگان و فشار به آن برای وابستگی هر چه بیشتر دولت و هیئت حاکمه بخود، سیاستی که از مدتها پیش از آن به اعتبار رشتا ب سریع حرکت روزه وابستگی دولت بازرگان، از سوی آمریکا در پیش گرفته شده بود.

موضع دولت و شورای انقلاب در برابر این اقدام آمریکا، در ابتدا بسیار جالب بوده و همانی بود که آمریکا انتظار آن را می کشید، بهشتی خاشن و بیزی... درصدمه توضیح این اعمال برای مردم ایران برآمدند و تنها تصمیمی که گرفتند بیشتر در فرستان یک "هیئت بزرگی" از جانب ایران بر سر برابری "مریفی" بود تا اینکه گفت کنند که آیا شاه واقعی "مریفی" است یا نه؟!

اما پس از این اقدام آمریکا، ملت ما بخروش درمی آید و خواهان استرداد شاه خاشن و محکوم کردن عمل آمریکا می شود. و منتظران قهرمان جنوب، با روح این خواسته، خواهان قطع صدور نفت به آمریکا می شوند. این موج و نیز سایر شرایط و عواملی که در گذشته آنها اشاره کرده ایم، جناح خرده بورژوازی مرفه سنتی را به همگی می ظا هری با جنبش صدا میربا نیستی توده ها، و بهره گیری از فلناج آن ترغیب میکنند و با گرفتن حالت تعرضی در برابر سیاست های تعرضی - آمیز آمریکا، برنا ما اشغال جاسو خا نه آمریکا و گروگان گیری جاسوس ها را طرح - ریزی میکنند و پس بدین اقدام می ورزد.

این رویدادها، نه تنها بحران سیاسی میان ایران و آمریکا را شدت می بخشد؛ بلکه موجبات تهدید تنخا های بین جناحهای مختلف امپریالیسم آمریکا را نیز فراهم می سازد. و حتی تضاد در میان امپریالیسم آمریکا و متحدین اروپائی و بویژه ژاپن را شدت می بخشد.

امپریالیسم آمریکا پس از این گروگان گیری سعی در افزایش فشار اقتصادی - سیاسی بدولت ایران میکند. و در این رابطه حتی از تقویت و تحریک نیروهای مرتجع نظیر فئودالها در بلوچستان و عناصری از وابستگان داخلی خویش در میان محافظ نزدیک به قدرت حاکم (نظیر مقدم نه ای و...) نیز رویگردان نمی شود و می کوشد تا از این طریق هم سیاست اعمال فشار خویش را به پیش برد. قطع خرید نفت ایران از جانب کارتر نیز (بر خلاف ادعای هیئت حاکمه و خرده بورژوازی "صدا میربا نیستی"، اینکار عمل در این مورد با زهد در دست کار ترو امپریالیسم آمریکا بوده دولت ایران!)، بلوکه کردن دارائیهای ایران در بانکهای آمریکا و... عدم صدور برخی مواد اولیه به ایران، تهدید به محاصره اقتصادی و... در ادامه همین سیاستها صورت می گیرد. و سرانجام دولست آمریکا بطور تلویحی و بیجا طرح تحت فشار قرار دادن ایران، از امکان "اقدام نظامی آمریکا علیه ایران" سخن میگوید. هر چند چنین احتمالی کاملاً منتقسی نبود و احتمال بسیارضعیفی برای دست زدن به چنین اقدامی از جانب آمریکا

بهمناسبت ۲۱ ژانویه (اول بهمن ماه) پنجاه و هشتمین سالگرد مرگ لنین

لنین جاودانه است

"بیا ددا شته با شید، دوست بدارید و بیا موزید... ایلیح را، آموزگار ما، پیشوای ما را" ی. استالین

- لنین نسبت به کسانی که سعی میکردند که از بالا به توده‌ها نگاه کنند و به آنها از روی کتاب درس بدهند، بی‌اعتنا بود.
- یکی از کارگران روسیه: "لنین مانند حقیقت ساده است."
- هرچاکه کارگران ما روزه میکنند، در هر گوشه جهان کسه زحمتکش با خاسته‌اند، لنین بزرگ با چشمان تیزبینش حضور دارد.



دا لنین، دو ماه پس از مرگش در ۲۱ ژانویه ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۲۲ آوریل ۱۸۷۰ در سیمبولون، روسیه متولد شد. او در ۱۹۱۷ در روسیه انقلابی شرکت کرد و در ۱۹۲۲ به عضویت حزب کمونیست درآمد. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت.

لنین در ۱۹۱۷ در روسیه انقلابی شرکت کرد و در ۱۹۲۲ به عضویت حزب کمونیست درآمد. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت.

لنین در ۱۹۱۷ در روسیه انقلابی شرکت کرد و در ۱۹۲۲ به عضویت حزب کمونیست درآمد. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت.

لنین در ۱۹۱۷ در روسیه انقلابی شرکت کرد و در ۱۹۲۲ به عضویت حزب کمونیست درآمد. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت.

لنین در ۱۹۱۷ در روسیه انقلابی شرکت کرد و در ۱۹۲۲ به عضویت حزب کمونیست درآمد. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت.

لنین در ۱۹۱۷ در روسیه انقلابی شرکت کرد و در ۱۹۲۲ به عضویت حزب کمونیست درآمد. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت.

لنین در ۱۹۱۷ در روسیه انقلابی شرکت کرد و در ۱۹۲۲ به عضویت حزب کمونیست درآمد. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت.

لنین در ۱۹۱۷ در روسیه انقلابی شرکت کرد و در ۱۹۲۲ به عضویت حزب کمونیست درآمد. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت.

لنین در ۱۹۱۷ در روسیه انقلابی شرکت کرد و در ۱۹۲۲ به عضویت حزب کمونیست درآمد. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت.

لنین در ۱۹۱۷ در روسیه انقلابی شرکت کرد و در ۱۹۲۲ به عضویت حزب کمونیست درآمد. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت.

لنین در ۱۹۱۷ در روسیه انقلابی شرکت کرد و در ۱۹۲۲ به عضویت حزب کمونیست درآمد. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت.

لنین در ۱۹۱۷ در روسیه انقلابی شرکت کرد و در ۱۹۲۲ به عضویت حزب کمونیست درآمد. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت.

لنین در ۱۹۱۷ در روسیه انقلابی شرکت کرد و در ۱۹۲۲ به عضویت حزب کمونیست درآمد. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت.

بقیه از صفحه ۱۲

زیگزاگی های ...

می کند. هدف نهایی (هدف فعلی آن چیست؟) آمریکا انجام یک کودتای نظامی و حشیانه در کشور ما طی یک دوره فعالیت مقدماتی توطئه گرانه در خارج و داخل کشور می باشد. " (حقیقت ۴۵).

بر همین اساس نیز شعار "در مقابل تهدیدات آمریکا مسلح شوید" را شعار روز خود قرار می دهد.

"حقیقت" بدست نرسیده تنها آلت ترانس نیونازش میان دولت ایران بسا میرتالیسم آمریکا که محتمل ترین شی ممکنه است، از دیده فرومی اندازد، بلکه در توضیح خطرات تهدید نظامی، کوی سفت را از خود رژیم می رباید و اظهار می دارد که تازه اگر رژیم هم قصدش با آمریکا را داشته باشد، آمریکا "سرازش" نخواهد داشت! آمریکا شی که از طریق و راه درمدم به سازش کتاندن رژیم کنونی ایران و خاتمه دادن به بحران کنونی است. سازشی که به احساس زیاده دیربیا زود رژیم نیز به آن تن خواهد داد. چرا که ادا مبحران را به هیچ وجه منفع خود نمی بیند. علاوه بر این "حقیقت" با توجه به ارزیابی از دولت ورژیم کنونی ایران، تحقق این "شعار" را از رژیم کنونی ایران طلب می کند. اوصن آنکه شورای انقلاب را متهم به نفهمیدن درسی از کودتای شیلی می نماید و به او توصیه می کند این درسیا را بیا موزد، می گوید: "

"شورای انقلاب اگر راست می گوید، اگر واقعاً تجربه شیلی را فهمیده است، که ما تک داریم (!؟)، بهتر است فرمانی ما درکنند، ... بسرای متا بله با سوطه های تجا و زکا را ندو کودتا گرانه امیریا لیم و استگانش مردم را آموزش نظامی داده و مسلح سازد."

"حقیقت" با تبلیغ چنین نظرات یکجا نتیجه نکرانهای دربار، دخالت نظامی آمریکا، عملا به آن اهدامی که رژیم زبراه اند! حتی چنین هیا هوشی پیرامون این مسئله در سردارد، باری می رساند.

هیا هوشی که هدفش انحراف مبارزات مردم در داخل بر علیه جنلیات واقعی امیریا لیم یعنی سرما به داری وابسته و ارتجاع داخلی و وابستگان و همدستان آنها یعنی رژیم کنونی، و کتاندن آن بیک سمت کاذب و غیر واقعی، می باشد. هیئت حاکمه می کوشد در پیرامون کرد و غیاری که با هیا هوی تبلیغاتی خود بیلند کرده

است، چهره سازشکارانه خود را بیوشاند. و راه حل سازش را مطمئن تر و راحت تر به پیش برد. و "حقیقت" نیز با دنباله روی از همان "شعار" در پنهان شدن این چهره و دست ها بیش از پیش باری می رساند.



سخن را در اینجا کوتاه می کنیم. ولی یک نکته دیگر را لازم است در اینجا متذکر شویم. مبارزه طبقاتی در داخل، بدون شک و علیرغم سنگ اندازیها، انحراف جوشیها و ممانعت ها، به رشد خود ادامه خواهد داد. رکود برجش با به نخواستار هدف فکند و اعتلای انقلابی جا معر افرا خواهد گرفت. کارگران در کارخانه ها، دهقانان در روستاها، توده های پابرنه در شهر، و خلقها در مناطق مختلف کشور، یک دم از حرکت نکوا هندا بیستا دو بطور روزافزونی مبارزات خود را بر علیه مظلوم هیا قومی ستم امیریا لیسینی و ارتجاعی، شدت خواهد بخشید. هیئت حاکمه نیز بیستنا بر خلعت ارتجاعی خویش، علیرغم تمام ضعفها، ناسا ما - نیهای شبانی های درونی خود بدون شک، مدت زیادی حالت عقب نشینی را تحمل نخواهد کرد و دوره جدیدی را بر اساس یک تنها جمعه ما نیمه جد آغا خواهد نمود. شا جمی که بیستنا بر شرایط و موقعیت کنونی جامعه، بیک تنگ داخلی خواهد داد. این سرنوشت اجتناب ناپذیر و نوداتی حرکت جامعه است. که ما هیئت حاکمه آنرا بر جا معه تحمل نموده است و طایفه های آن ازم اکنون خود را نشان می دهد. اولین علامت چرخش های رژیم سمت یک تنها جم جدید، به خصوص در کردستان خود را می نماید. و این با و روادا من می زند که جنگ قریب الوقوع دیگری در کردستان شکل خواهد گرفت.

براسی رفعا "اتحادیه" در این تنگ، جنگی که توسط هیئت حاکمه بر افروخته خواهد شد، چه موضعی را در پیش خواهد گرفت. چگونه خواهد توانست تناقض میان خلعت ضد امیریا لیسینی رژیم و حداقل بخشی از آن را، با خلعت جنگ افروزی آن توضیح دهد؟ و سرانجام در برابر هجوم مسلحانه، چه خواهد گفت؟ با مبارزه "فدا امیریا لیسینی" رژیم در جناح خمینی خواهد هندر کرد؟ ... اینها سوالاتی است که مواضع اخیر "حقیقت" در ذهن برمی انگیزد و با سخ "حقیقت" به این سوالات، در عرصه عمل نشان خواهد داد که تا چه حد بر این بنا - ففات آگاهی یافته است. ما نیز فقط و ت خود را در این مورد، به آن زمان موقوف خواهیم نمود.

بقیه از صفحه ۱۲

لنین ...

مبارزات ایدئولوژیک لنین با انحرافات درون جنبش کارگری، سرخستی و مقاومت او در کوبیدن بیرحمانه و بدون گذشت از هرگونه انحراف از منشی پرولتاریائی، بی نظیر است. در پیرو است - این مبارزات، او با بسیاری از همزمانان قدیمی - سیاری از مارکسیستهای بزرگ (سابق) نظیر - پخافت و کاتوشکی، رودر رو و با آنان به مبارزه برخاست. اما هیچگاه در راستواریش بر اصول، تردید نکرد. همسر و همزمنش در این باره میگوید:

"دوستی لنین با اشخاص، هرگز تا شیری در کار و نظرات سیاسی او نداشت. ... وقتی که او از لحاظ سیاسی با شخصی قطع رابطه میکرد، رابطه شخصی را هم قطع مینمود. زیرا تا می زندگی لنین با مبارزات سیاسی بستگی داشت، بنابراین غیر از این هم نمیتوانست باشد. بخصوص اگر این امر برای کار ضرورت داشت. لیکن دوستی لنین با اشخاص باعث میشد که او اشخاصی را که در حزب پیش می آمد، با نهایت سختی و ناراحتی تحمل کند ..."

لنین بزرگ سرمستی است که نشان میدهد چگونه با یداندیشه پرتوان پرولتاریا را به عمل در آورده و بدان مادیات بخشید. او آنچه که آموخته بود، در تحلیل واقعات و در درک ضرورت از لایزال و اتفاقاتی که بر آن پیچیده است، بکار میبرد و بر اساس این درک به تنظیم رهنمود برای جنبش می برد. او شناخت عمیق از مارکسیسم، عشق بی حد به پرولتاریا و جویان مبارزه سرخستانها تا مسی انحرافات و در یک کلام مبارزه و فقه ناپذیر در راه آزمان طبقه کارگر، توان شناخت عمیق قانومندی -

های مبارزه را به او بخشیده بود. در واقع لنین نیض توده های میلیونی روسیه را در دست داشت. لنین در انتقاد از اشتباهات خود و حزب بسیار جدی بود. او از تجربه های درس می آموخت و در حرکت خویش تنها بمنافع جنبش می اندیشید. وی ثابت نمود که: تئوری انقلابی بمثابه یک ابزار عمل میکند. لنین با تمام عظمتی که داشت یک انسان ساده بود. یکی از کارگران روس او را اینگونه توصیف میکند: او مانند حقیقت ساده است.

در این کلام نکته های بسیاری نهفته است. لنین مانند حقیقت بزرگ، سهیمکن، ساده و روشن بود. آنچه از زندگی خصوصی او میدانیم، شور جمعی را به ما می نما یا ند که زندگی را با تمام گسترده گشت در خویش منعکس میکند. زندگی شخصی لنین نیز مانند مبارزاتش، پر شور و ماقانه است. همسرش در این باره می گوید: لنین فوق العاده شیفته مردم و بینهایت مجذوب کارش بود. این دو علاقه درهم آمیخته میشد و زندگی او را به منتهی درجه غنسی، شمر بخش، پرحرارت و سرشار مینمود. او زندگی را با همه پیچیدگی و سبغری و تنوع آن با تمام وجودش جذب می کرد.

آشی که از وجود بزرگ لنین شعله میکشد، بر تمامی اطراف او پرتومی افکند. زحمتکشان روسیه که در وجود او تجلی آرمانهای پاره را خویش را می یافتند و ی را بعنوان رهبر و رفیقشان دوست میداشتند. در بسیاری از ادبیات انقلابی روسیه عشق مردم به لنین تصویر شده است. عشق که لنین شایسته آن بود. اما لنین تنها متعلق به کارگران و زحمتکشان روسیه نیست. لنین آموزگار تمام کارگران جهان است. لنین در تمام مبارزات کارگران در هر

کوشه جهان حضور دارد. افکار بناک او متعل هر مبارزه حق طلبانه است. هر کجا که کارگران مبارزه میکنند، هر کجا که زحمتکشان با خاسته اند، لنین بزرگ با چهره بناک خود، با بیستای فراخ و بیست چشمان نیز بینش حضور دارد. جنبش کارگری جهان با نام او درهم آمیخته است. درست به همین سبب است که شور و آوازی خود را کارانه زیر نام او و پنهان کرده و میکوشد تا با نام او اندیشه او، چهره او و چهره او خود را بزرگ نماید و بدین وسیله زحمتکشان جهان را فریب دهد. شور و آوازی میکوشد تا اندیشه های لنین را از حورها انقلابی اش تهی کند، میکوشد تا تیزی ضمیر اندیشه های لنین را کند کرده و آن را به سلاحی زنگ زده بدل نماید (کاری که روسیونستها میکنند) اما این کوششها بیفیده است. بیروزی نشانی با اندیشه رهائی بخش پرولتاریاست. کارگران در خلال مبارزات خویش، دوست و دشمن را از هم باز خواهند شناخت و یکمک اندیشه های لنینی نقاب از چهره دشمنان خویش برمی دارند.



لنین در ده اکتبر سال ۱۹۱۷ در اسمولنی قیام راهبری میکند

بقیه از صفحه ۲

مروری بر ...

شورای مرکزی "حزب" را با دیگر رهبران حزب و نیز برخی دیگر از سرمداران رژیم فزونی بخشید و سرانجام نیز او را وارد نمود که در آخرین دفاعی قبل از روزی گبری، با فاجحت تمام از محنته انتخابات کنار آمد.

درواقع حمایت ضمنی "حزب جمهوری اسلامی" از "حسن حبیبی"، این لیبرال "مهاجر" از یکسو و عدم حمایت آن از کاندیداتی عضو شورای مرکزیست در انتخابات، میان نگرانی‌ها و شکست سیاسی با زهم بیشتر این نیرو در عرصه قدرت سیاسی کشور بود "حبیبی" که بطور مستقل کاندید شده بود در ظل حمایت

● دکتر آیت‌الله‌علی شوریای مرکزی "حزب جمهوری اسلامی" (و عضو سابق حزب آمریکائی "زحمتکشان ملت ایران" برهبری بقائی) که در کشاکش برکناری "فارسی" و به پشتوانه حمایت "حزب جمهوری اسلامی" پس از کناره‌گیری "فارسی" در انتخابات شرکت حسته بود از این "حمایت" برخوردار نگردید و همچنان منزرد و بی‌پشت پناه باقی ماند!

روحانیت و "حزب جمهوری اسلامی" تا کجا ن از با شن- ترس سطوح بعدالائس در رقابت انتخاباتی بی‌تاب نشود و در مرز مرز کاندیدهای طرازا اول، درکنار بنی مدرومندی قرار گرفت.

روحانیت سزرا این شایعات و با با ما نیها برکنار نماید و اتفاقاً در آن عرصه، نکاتهای درونی روحانیت نیز پیش از هر زمان دیگر عریان گردید. کس و فوسهائی که بر سر انتخاب یک کاندیدای "مطلوب" و مشترک در میان ستون اصلی روحانیت و ایستاده خمینی، یعنی "حاضر مدرسین" وجود آمد، نشانگر این واقعیت بود، "حاضر مدرسین" در ابتدا بدینی مدرن‌نمایند و از حمایت کرد، پس از مدتی اختلاف بر سر این کاندیدای لاکرنت و شکافی میان و ایستگان "حزب جمهوری اسلامی" که "فارسی" را معرفی کرده بود و طرفداران بنی مدرن‌نمایند "حاضر" بدین‌را شد. نکاتی که از غلظت نظر آنها انعکاس "تا خوشبختی" در سطح جامعه داشت، از سوی دیگر قضیه "ایرانی الاصل" نبودن "فارسی" مسئله‌ای بود که بر سر راد حمایت "حاضر مدرسین" از این کاندیدای مانع ایجاد نمیکرد. سرانجام و پس از گذشت وقوسهای فراوان و متوسل شدن به "امام" سر و ته قصه راهم آوردند و سرگردانند و سومی به نواقف رسیدند و بدین ترتیب "حسن حبیبی" بعنوان چهره "مطلوب" "حاضر" مدرسین و "حزب جمهوری اسلامی" مورد حمایت ایشان قرار گرفت. حمایت این ستون اصلی روحانیت در طرفدار خمینی از "حبیبی" موج وسیعی از حمایت روحانیون کشور را برانگیخت. اما در عین حال و علیرغم کوششهای فراوان رهبران روحانی، بخشهای بسیاری از جامعه روحانیت، از بنی مدرن‌نمایند معذومی نیز از "مدنی" حمایت نمودند.

عرصه مبارزات انتخاباتی نگاه‌های درون روحانیت و میان جناح‌های متفاوت و گراشته‌های مختلف را با زهم عمیق‌تر کرد و یکپارچگی و "وحدت کلمه" درونی این "شهدا" را به افسانه شیرینی تبدیل نمود.

نیروهای بورژوازی کشور (بورژوازی لیبرال و

کمپرادور) نیز در صحنه مبارزه انتخاباتی بطور عمده در پشت سر "تیمای مدنی" این بورژوا - فاشیست قدرت طلب - سنگر گرفته و بطور آشکار و نهان به تقویت و حمایت او پرداختند. نیروهای بورژوازی پشت سر "مدنی" عمدتاً از راست‌ترین و ارتجاعی‌ترین جناح‌های بورژوازی که با وابسته‌ها میربا لیمم هستند و تا میل "مدنی" چهره‌ها شایسته و کارنامه شده‌اند. درختانی از جناب و خیانت در طی حکومتش در خوزستان به همراه دارد. سرکوب و کشتار خائنه خلق عرب، اعدام و سبندگشیدن مائزین خوزستانی، سرکوب جنبش کارگری در جنوب و حمایت از ارتجاعی-ترین و منفورترین نیروها و عناصر منطقه، جای هیچ گونه تردیدی در مورد "رتنا" به "آینه‌ها" بنی عثمانی مزدور و "منت" مورد ادعای او باقی نمیگذارد. این بقول خودش "دست بر قدرت امام" در این دوره کوشید تا با تکیه بر سزای مردم از هرج و مرجی که هم اکنون کرنا نگیرا مع شده است و سو استفاده از تمایل آنها به ایجاد یک نظم انقلابی، "نظم" ارتجاعی و فاشیستی مورد نظر خود را تبلیغات فراوان و به آنها غالب کند، نظمی که تنها مانع را خترین جناح‌های بورژوازی را در زیر چتر "منت"

● نیروهای بورژوازی کشور (بورژوازی لیبرال و کمپرادور) نیز در صحنه مبارزه انتخاباتی بطور عمده در پشت سر تیمای مدنی - این بورژوا - فاشیست قدرت طلب - سنگر گرفته و بطور آشکار و نهان به تقویت و حمایت او پرداختند.

خود حفظ میکند. "مدنی" با تکیه بر همین عوامل فریبی توانست، صرف نظر از اجماع و امتیاز یعنی سرما به- داران و وابسته لیبرال، جناح بزرگ بارور زمین - داران بزرگ، حمایت بخشهای وسیعی از افسار بر خورده بورژوازی غیر مذهبی (کارمندان ادارات، تکنسین‌ها و...) را بخود جلب نماید و همین قدرت گیری، جناح دیکری خصوص روحانیون و وابسته به جناح آیت‌الله خمینی را که از همان ابتدا نمیتوانستند به چنین فردی اعتماد داشته باشند، به تنگنا بیاورد. خت آنها برای عقب راندن و منزوی کردن وی به شیوه‌های متعددی از جمله افشای ماهیت و عملکرد - های او در طی دوره زمامداری اش در خوزستان و نیز پیشینه‌هایش، دست زدند.

موج افشاکاری بر سر امون او، از سوی وابستگان این جریان بالا گرفت و "اسناد" و "مدارک" خائنه‌ها و جناح‌های او یعنی فردی که در طی ۱۰ ماه "دست بر قدرت" همین رژیم در خوزستان و ارتش و... بود، بر ملا گردید. بطوریکه حزب جمهوری اسلامی نیز رسماً این اسناد و مدارک را در روزنامه خود، درج نمود. و سرانجام نیز از سوی "دانشجویان خط امام" که در چنین شرایط حاسمی معمولاً به یاری روحانیت جناح معینی از هیئت حاکمه می‌شتابد، ضربه قطعی به "ا" و "ارژ" آمد، دانشجویان خط امام، پس از دو ماه استقرار در لانه جاسوسی، درست یک روز قبیل از انتخابات، اسناد و مدارک ارتباطات و سربره‌های "مدنی" را با سفارت آمریکا، فاش کردند و بدین ترتیب تا شیرات معینی در جبهه مبارزه انتخاباتی بزبان "مدنی" و در جهت کاهش نفوذ و اعتبار این مزدور خوش خط و خال، باقی گذاشتند.

صف آرائی نیروها با ورود مسعود رجوی به عرصه مبارزات انتخاباتی، چهره تازه‌ای بخود گرفت و

قطب جدیدی از نیروهای مترقی و دمکرات کشور، در برابر قطب ارتجاع و فدا نقلاب بوجود آمد. هیئت حاکمه که در ابتدا با دمکرات‌نمائی هیچ مانع قانونی بر سر راه کاندیداتی مسعود رجوی ایجاد نکرد، در مراحل بعد، یعنی زمانیکه نیروی توده‌ای بزرگی در پشت سر این کاندیدای بیخ کرده‌اید، از سر و حشت و هراس بدتکتا بپا افتاد و سرانجام با توسل به "رای امام" و "حق قانونی" و "ولایت فقیه" این کاندید را از سزرا د خود برداشت.

بخش اعظم نیروهای انقلابی و مترقی جامعه، با صف آرائی در پشت مسعود رجوی، در انتخابات شرکت حسند. این شرکت سطرطاً تا درست و یک تاکتیک تا صحیح بود و سر و اقتضای سزیر عدم محت این تا کتیک گواهی داد. تمام دلایلی که نیروهای شرکت کننده (بطور عمده مجاهدین و رفقای فدائی) در این انتخابات بدان توسل جستند، نمیتوانست جنبش ترکی را توجیه نماید.

بهمترین دلایلی که این نیروها برای شرکت خود در انتخابات ریاست جمهوری ارائه دادند ایجاد یک صف مستقل و مترقی و یک قطب انقلابی ضد امپریالیسم - ضد ارتجاعی در برابر مسعود و نیروهای ارتجاعی و فدا انقلابی بود. مجاهدین ضرورت ایجاد یک "ثقل انقلابی" در عرصه مبارزات انتخاباتی "به زبان امپریالیست‌ها و با بنگاه‌های امروز فدا یان" را به عنوان مهمترین دلیل این شرکت خود ارائه دادند (ثقل قولها از سرفعاله مجاهد شماره ۱۸). رفقای فدائی نیز دلایل شرکت خود را چنین بیان کردند: "مانده با مبدع پیروزی

● مدنی در این دوره کوشید تا با تکیه بر بیزاری مردم از هرج و مرجی که هم‌اکنون گریبانگیر جامعه شده است، و سو استفاده از تمایلی آنها به ایجاد یک نظم انقلابی، "نظم" ارتجاعی و فاشیستی مورد نظر خود را با تبلیغات فراوان و به آنها غالب کند، نظمی که تنها مانع را بست ترین جناح‌های بورژوازی را در زیر چتر "منت" خود حفظ می‌کند.

کاندیدای مورد پشتیبانی خود بلکه با تکیه بر افشای کاندیدای فدکا زگری، با استفاده از سنگبری این صف ترفیخا و درازنیک، با تکیه بر بالا بردن آگاهی توده‌ها در مورد مسئله انتخابات و اشکال ضروری مبارزه علیه امپریالیسم و سرما به داری وابسته و با تکیه بر ضرورت تا بنین رهبری طبقه کارگر از طریق هدایت عملی مبارزه توده‌ها، در انتخابات شرکت مینماید و بر همین مبنای مسعود رجوی کاندیدای سازمان مجاهدین خلق ایران پشتیبانی می‌نماید. (کار شماره ۴۲).

اگر از استدلالات دیگر که خود جای حرف دارد، بگذریم مهمترین دلیل این شرکت، بخصوص با توجه به سرفعالات این سازمان در باره انتخابات ریاست جمهوری، حول ایجاد یک قطب فدا میربا لیمسی - ضد ارتجاعی و مترقی در برابر ارتجاع امپریالیسم دور می‌زند. شکی نیست که ایجاد چنین قطبی در جامعه، بخصوص در شرایط امروزین ما، بسیار شکیو مطلوب است و بجزارت میتوان گفت که به یکی از ضروریات مبارزه طبقاتی و انقلابی در جامعه تبدیل گشته است. لیکن حرکت تا درست از آنجا آغاز می‌شود که میخواهد این قطب و بلیوک انقلابی و مترقی را بر

زمینه‌ای کد قدرت سیاسی حاکم گسترده است، بوجود
سازد. زمینه‌ای که امکان آفرینی این هندت
مصلحتی در آن وجود ندارد. زمینه‌ای که ذات و غنای
واضعی که در اساس با هدف مورد نظر در رضا قرار می
گیرد.

تمرکز کردن و تقویت طبقات انقلابی و رادیکال
جامعه، در حقیقت زمینه‌ساز رستنی آنی که رژیم کشود
است. بسیار از همین ثبوت رژیم و شکست‌های

هیئت حاکمه که در ابتدا با دموکرات نظامی
هیچ مانع قانونی بر سر راه کاندید شدن
مسعود رجوی ایجاد نکرد، در مراحل بعد
یعنی زمانیکه نیروی توده‌های بزرگی در پشت سر
این کاندید اسیح گردیده از سر و جشست و مراس
به تکلیف افتاد و سرانجام با توسل به "زاد امام"
و حق "قانونی" ولایت فقیه، این کاندید را از
سر راه خود برداشت.

قانونی و فراخواندن توده‌ها بگردش و همسای
، از لحاظ تاریخی و در سیمای این توده‌ها نباید
این توده‌ها را در آن درگاه می‌توان بر مبنای انتخاب
ارکانی از اجرائی یک رژیم بیوزاری یک محور
انقلابی بوجود آورد و با احسان سرحین زمینه‌ای
مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم را به پیش برد و
بیک سر تا به انقلابی جامعه عمل بپوشاند. پس
خواندن نظام نیروهای انقلابی و توده‌های مردم
بناظر "بازوری" انقلابی یک جنبش انتخابی بیوزور
شی ای یعنی استبداد است که می‌توان در آن توسل
منجوبند، یک تاکتیک درستی و تبلیغ شده‌های
رفرمیستی است. مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع
را می‌توان در حقیقت مبارزه انتخابی پیش برد
منحده اصلی جنبش مبارزه‌ای آن عرصه‌های است که
توده‌ها مبارزه واقعی و اصل خویش را به پیش
می‌برند. نقش "فعال کردن" توده‌ها نمی‌تواند مطلق
جنبش شرکتی باشد. باید دید که این "فعال کردن" در
جهت زمینه "جوشیده‌ای و بخاطر جهدهای صورت می

گردد، بیوزوری سزخواهان "فعال کردن" توده‌ها
در عرصه مبارزه سیاسی است. اما تلاش او در اینست
که توده‌ها را در عرصه‌های دلخواهش که همواره در برابر
توده‌ها می‌گستراند، "فعال" نماید. یعنی در عرصه
های رفرمیستی، تا بدین وسیله از استکبار عمل انقلابی
توده‌ها که بطور قطع تا بی هرگونه راه حل رفرمیستی
است، جلوگیری کند. بیوزوری میخواهد که توده‌ها در
انتخابات این یا آن فرد دلخواه بیوزوری، "آزاد"
با شده و هر قطعی بگرایند. چرا که او فقط به قطب
هایی اجازه شکل گیری و عریض اندام میدهد که تمامیت
او را مورد سپیدی قرار دهند. انتخابات اخیر نیز
بدون کم و کاست چنین حقیقتی را به اثبات رساند.
هیئت حاکمه در آن لحظه که خطر شکل گیری چنین قطبی
را در عرصه انتخابات احساس نمود، بدون شک لحظه
درنگ وارد عمل شد و با توسل به شیوه‌های "قانونی"
و "بسیار فقیه"، از ایجاد جنبش قطبی جلوگیری نمود و
نیروهای حرکت کننده را خلع سلاح کرد. "ولایت
فقیه" در آخرین لحظات وارد صحنه شد و در میان بهت و
حیرت نیروهایی که بعد از رسیدن آیت الله خمینی در
برابری انتخابات مبارزه طبقاتی تسلیم شد و سزای
نخستین را پذیرفته، که "ولایت فقیه" در برابر آزاده
مردم قرار دارد. "ایرمان‌لنگار (۴۲)" قانون خود
را جاری کرد و برای چندمین بار نشان داد که
"تشریح" می‌تواند به عنوان استبداد استبداد "تجدد و تعبد"
"آشاند" شود. (مقتول از هم‌مذکر ۲۵).

سازی ایجاد چنین قطبی را می‌توانست
مسیر او تنها پذیرفته و معنای واقعی خود را بیابد
که در عرصه واقعی مبارزه طبقاتی و در انتخاب اصول
ارائه برنامه سیاسی نیروهای مترقی و تبلیغ و
سروچ آن در میان توده‌ها و از نظر تاکتیک بر محور
تحریم و عدم شرکت در چنین انتخاباتی شکل می
گرفت. عدم شرکت یکبارجه نیروهای مترقی و انقلابی
که در عین حال توده عظیمی را هم بدستال خود می
گشاید. نه تنها امپریالیسم و ارتجاع و نیروهای سد
راه انقلاب را متفرود منزوی میگرد، بلکه امکان
واقعی شکل گیری یک زمینه مشترک دستورگردد و
دن تمامی نیروهای جنبه انقلاب، حول یک برنامه

انقلابی را فراهم مینمود.
بعلاوه اینکه توده‌ها را نیز از دل بستن به شیوه
های رفرمیستی در تحقق خواسته‌های انقلابی خود
باز می‌داشت و عرصه‌های واقعی مبارزه طبقاتی و
انقلابی را به آنها نشان میداد.
بهر صورت اکنون مبارزه انتخاباتی بی پایان
رسیده است و همان طور که ما قبلاً نیز پیش بینی کرده
بودیم (پیکار ۲۸) بنی مدیر توده خواهد شد. اما رئیس
جمهور هر که میخواهد باشد، چرا که اکثریتین کننده

● "ولایت فقیه" در آخرین لحظات وارد صحنه شد
و در میان بهت و حیرت نیروهایی که معتقد
بودند "آیت الله خمینی در برابر واقعیات
مبارزه طبقاتی تسلیم شد و برای نخستین بار
پذیرفت که "ولایت فقیه" در برابر آزاده مردم
قرار دارد." (سرمقاله کار ۴۲) ، قانون خود
را جاری کرد .

... ای در وضعیت نامساوان رژیم باقی نخواهد
گذشت. روزی واقع سیاسی جامعه، از آن خواهد
داد که رئیس جمهور آینده، "نظم" و "امنیت" مطسوب
خود را که تقریباً مورد تاکید تمامی توده‌های
انتخاباتی است، برقرار سازد. نه سزای جنبش
انقلابی توده‌ها، و نه موقعیت بهم‌بافت قدرت
سیاسی و تا همگوشی‌های فرا بنده درونی آن، چنین
چشم اندازی را بر سر نمی‌گذارد. آنچه که می‌تواند
است که نیروهای انقلابی و مترقی جامعه، بتوانند
با اتخاذ یک تاکتیک صحیح و متناسب با وضعیت
کنونی، با گوش در صدر رف برانگیزی خود و فراهم
کردن زمینه‌های یک قطب انقلابی در جامعه و
کرد آوردن توده‌های وسیع مردم، بگردانن قطب
انقلابی، جامعه را از گرداب هرج و مرج و نامساوانی
و از خطر فرو افتادن به دامان یک "نظم" ارتجاعی و ضد
انقلابی (آنطور که مثال تیمار "مدنی" در نظر
دارد). راه بنده و سست استقرار یک "نظم انقلابی
سوق دهد. آری، چنین چشم اندازی به جهت تمامی
نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست نسکی دارد. ■

یاد مجاهد شهید مرتضی صمدیه لباف گرامی باد

صبحگاه سوم بهمن ماه ۵۵، مجاهد شهید، رزمیده
دقیق و مقاوم: مرتضی صمدیه لباف، همراه با تنهایی
چند اهرمزمانش، پس از ماهها تحمل شکنجه در
زندان تا به هوجوه اعدام مسیره شد و خون پاکش در راه
آرمان دموکراسی - ضد امپریالیستی توده‌های
تمدیده ایران بر زمین ریخت.
مرتضی، مجاهدی قهرمان بود که چندین سال
در شرایط سخت سالهای ۵۵ با رژیم وابسته امیر -
بالیسم شاهش در درون سازمان مجاهدین خلق

ایران، به مبارزه انقلابی و آشتی ناپذیر خود ادامه
داد. کینه عمیق او بدشمن خلق و عنق آنتیسن او
به توده‌های ستمدیده و ستمناز انقلابی اش در اوجاری
قابل تحسین بوجود آورده بود، او در چندین عمل
نظامی کده‌آرزوها علیه دشمنان خلق از سوی
با زمان مجاهدین خلق انجام می‌شد شرکت داشت.
در جریان تحولات درونی سازمان مجاهدین و
تغییر ایدئولوژی بخشی از اعضای سازمان که
سنگیری پرولتری داشت ولی از نظر رهبری شدیداً

آغشته به گرایش‌های انحرافی ضد پروتسکیستی و
سکنا رستنی بود، مجاهد شهید مرتضی همانند مجاهد
شهید شریف واقفی در معرض توطئه‌های ضد انقلابی قرار
گرفت. مرتضی در نتیجه این اقدامات انحرافی
که با رها با تحلیل علل آن از جانب ما محکوم شده
است - مجروح شد و بعداً به سارت رژیم درآمد. ولی
غلیب غم شکنجه‌های سخت سال ۵۵ که در نوع خود کرم
نظیر بود، در برابر دشمن مشترک یعنی امپریالیسم
آمریکا و رژیم وابسته بدان، تا آخرین نفس دلیرانه
مقاومت نمود. این موضعگیری، برای کلیه نیرو-
های انقلابی متباد در سرتی است. با داین مجاهد
خلق از خطره‌ها فراموش نخواهد شد ■

گرامی باد خاطره رفقای شهید

سوم بهمن ماه امسال سالگرد شهادت رفقا
منیزه اشرف زاده کرماتی، محمد طاهر رحیمی و
محسن بطحایی است. چهار سال پیش در این تاریخ
شاه جلال و سرسپرده آمریکا، این رفقا را همراه
۴ رزمیده دیگر بجوخه اعدام سپرد. یادشان
گرامی باد. (یادنامه این رفقای شهید را در
شماره‌های بعد می‌خوانید.)

دستگیری يك مبارز حرفه‌ای

مبارز با سابقه، رفیق محمد یزدان بنی بدستی
است که بدون هیچ دلیل دستگیر گردیده است و
اکنون در زندان‌های رژیم بر سر می‌برد.
رژیم، ساواکی‌ها و امرای سرسپرده مزدور ارتش
را آزادی گذارد، شورسین‌های رژیم‌ها هشاه

نظیر احسان نراقی را با وساطت آقای بنی مدردوست
دیرین وی آزادی کند، اما مبارزینی چون
یزدان بنی را در بندنگه می‌دارد. ما خواستار آزادی
فوری او هستیم.
دستگیری این مبارز توسط (گروه) اتحاد
مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر مورخه ۱۰/۱۵/۵۸
اعلام شده است.



بقیه از صفحه ۲

جنگ قدرت ...

بخواست خود آقای مدنی صورت گرفته است، ظاهراً بزعم ایشان خواست آقای مدنی واجب‌الاجرا تر از خواست میلیون‌ها ایرانی است که خواهان افشای کلیه اسناد و مدارک رژیم گذشته اند!

دانشجویان خط امام حتی بخاطر "رفع اتهام" از برخی عناصر آمریکا شی حزب جمهوری اسلامی، این حزب رسوا، از قول یکی از اجناسان سیا (لینکن) نقل میکنند که "روزنامه جمهوری اسلامی دشمن دیرینه آمریکا است!" گوئی مردم ایران این حزب خلق الساعه و گردانندگانش را نمی‌شناسند و نمی‌دانند که این "دشمن دیرینه آمریکا" در واقع کمتر از یکسال است که موجودیت یافته است! لابد وقتی گردانندگان بناز و بیگروشان این حزب در سرمقاله مورخ ۵۸/۱۱/۲ ارگان خود از دانشجویان بیرو خط امامی خواهند که مدارک و اسناد مربوط به حزب جمهوری اسلامی (الستنفذ مربوط به این حزب) را افشا کنند، این قبیل اسناد دروغین را در نظر دارند! بهر حال آنچه که در این میان اهمیت دارد اینست که بطور روزافزونی ماهیت واقعی عوام مغربسان و خائنینی که به اعتبار توهم‌توده‌ها بر مقدرات کشور حاکم شده‌اند، سرلا میشود. توده‌ها اکنون بتدریج به صحت داری کمونیست‌ها ایمان آورده و درمی‌یابند که آنها که قدرت سیاسی را در دست دارند، بسیار ناتوان‌تر و درست‌تر بکوشیم قدر می‌تراز آنند که ایستادگی حتی بخشی از خواسته‌های اساسی زحمتکشان باشد. آنها درمی‌یابند که این کمونیست‌ها بودند که از همان آغاز، امیران نظام‌ها، مدنی‌ها، بارکان‌ها و غیره بتنداری‌ها، بهشتی‌ها و جرمان‌ها را بپرچمانه انضام میکردند و آبی اس‌خائنینکاران را راحت نمی‌کذاشتند. می‌بینند که این کمونیست‌ها هستند که مزدوران امیرالسلطان را در هر لباسی که باشند بخوبی شناسند و دومی کمترین تردید در مقابل نداشته‌اند. آری تنها و تنها وسیله افشاکاری کمونیست‌هاست که همواره در برابر

بقیه از صفحه ۲

عوامل هیئت ...

خود سرسند، گذشته از این، کار آنها بتوسی رفت و آمد افسر مدکورویا سداران را در محیط کارخانه رسمیت می‌داد.

سرا نجام مدراس روز تمهیم گرفته می‌شود که شورائی موقت برای چند روز تشکیل شود تا به کارها رسیدگی کند و در همین مدت کارگران نمایندگان واقعی خود را انتخاب کرده و شورای دائمی و واقعی، بنا را بوجوه آورند.

منافقان بتعلیت توطئه‌های عوامل کارفرمایان، انتخاب نماینده‌ها به سرا بس تعداد کارگران در هر قسمت بلکه براساس قدیم و جدید بودن آنها انجام می‌گیرد، به این ترتیب تعداد نماینده‌های کارگران جدید (که از نظر تعداد خیلی بیشتر از کارگران قدیم هستند) با تعداد نمایندگان کارگران قدیم برابر می‌شود.

این کار دست کم این اشکال را داشت که! زنتش کارگران جدید (که خواسته‌های مترقی‌تر و آگاه‌تری هستند) نسبت به کارگران قدیم (رند) در شورا بی‌کاست.

بهر حال شورای موقت با ترکیب ۲ نماینده

بقیه از صفحه ۹

آمریکا زیر ...

مستعمره آمریکا نقش فعالی در دعوت به این گروه‌ها آشی بعهده دارد، قضیه دخالت نظامی شوروی مسئله روز است و مکان انعقاد کنفرانس شهر "اسلام" آباد پاکستان و هدف، حمایت از اسلام و مسلمانان در مقابل کمونیسم! و مقابله با شوروی.

از نظر خلق‌های مستعبد و مبارز منطقه که در ایران و دیگر کشورها، خشم انقلابی خود را علیه امیرالسلطان آمریکا نشان داده بر بیگانه و سرمایه‌داری وابسته ضربات دردناکی وارد کرده‌اند، بدون شک دخالت نظامی در افغانستان ونا دیده گرفتن حق تعیین سرنوشت خلق‌های این کشور، محکوم است، اما تقویت نیروهای ارتجاعی این کشور، آموزش دهها هزارتن مزدور در پاکستان و بی‌تحرکات مداوم علیه نیروهای مترقی افغانستان و انواع کمک‌های به نیروهای ارتجاعی این کشور بوسیله ایران نیز محکوم میباشد. مردم ایران فراموش نمیکنند که حکام جدید ایران از ابتدای بقدرت رسیدن تا امروز چگونه در اینجا در ارتباط و پیوند با مرتجعترین نیروهای دست راستی مذهبی منطقه تلاش کرده‌اند. آنها از حزب "الدعوه" عراقی، حزب التحریر و "اسلم" لبنان و حزب جماعت العلماء پاکستان و اخوان المسلمین افغانستان و... دعوت بعمل آورده و با آنان علیه جنبش مترقیانه خلق‌های منطقه (حتی علیه خلق فلسطین) توطئه‌ها چیده‌اند.

کنفرانس اسلامی پاکستان تلاشی است از سوی آمریکا و بدستکاری سعودی و همپاننداری پاکستان و یادوشی و سرخارجه ایران، قطب زاده، این گرد - هم آشی که از سوی کشورهای عربی مخالف با سادات سپاه به هم رسان بودن تشکیل کنفرانس با روز عادی شدن روابط بین مصر و اسرائیل به عقب انداخته شد.

هم‌اکنون فرار است با تلاش ارجاع، سنها بکروند و بترتیبی در ششم بهمن ما دستگیر شد. موضع وزارت خارجه ایران و همدستی آنکارا با آمریکا خنجر است که این بار از روسیه - و نه از پشت، ما ندا غلب ساشینهای رژیم جمهوری اسلامی - به سینه زحمتکشان ایران که عمیقاً صدا میریاست و مدد رنج میبایست، زده میشود. وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران بسا منارکت خود در این کنفرانس، ایران بعد از قیام بهمن ماه را، رسماً به جرگه دوستان و همپیمانان

از کارگران جدید و نیز ۲ نماینده از کارگران قدیم تشکیل شد.

پس از دوروز تعطیلی هنگامیکه روز غنیمت ۵۸/۱۰/۲۹ اعمای شورای موقت برای شروع کارشان به کارخانه می‌روند اما نمائند اعضای شورای سابق روبرو شده و از طرف عده‌ای از کارگران قدیمی که تحریک شده بودند، کتک می‌خورند.

آزاد روز همچنین "یکائی" و "پا سدا را نش با نقشه قبلی به کارخانه می‌ریزند و ضمن محروب کردن یکی از کارگران، نمایندگان شورای موقت و چند کارگر مبارزان نیز دستگیر و به کمیته می‌برند. در آنجا پس از امتحان با زجوشی و گرفتن تعهد، بغیر از یک نفر که اینک در زندان به سر می‌برد، بقیه را بطرز مشکوکی آزاد کرده و از آنان می‌خواهند که روز بعد به کمیته مدکورویا سرزنشند.

این اولین بار و آخرین بار نیست که عناصر مزدوری چون "یکائی" مبارزات کارگران را سرکوب

آمریکا درمی‌آورد و در کناره‌های روسیه، پاکستان، مالزی و سومالی وسادات خائنین قرار میگیرد.

توده‌های مستعبد و بی‌گناه سده کشورها و کلیه نیروهای مترقی و کمونیست‌های ایران، امیرالسلطان آمریکا را دشمن اصلی خلق‌های ایران میدانند و با زگرداندن ایران به گردونه آمریکا را تحت هر لوا و سرپوشی که باشد خدایا نشی بزرگ تلقی مینمایند ما علیه سوسال امیرالسلطان شوروی مبارزه میکنیم ولی هرگز اجازه نخواهیم داد که قدرت ارتجاعی حاکم بر ایران زیر لوای مبارزه با نفوذ راجسی و سلطه سوروی، اذنان توده‌ها را از مبارزه بر علیه آمریکا منحرف سازد. خلق‌های ماهیما لکی‌های سادات و ضیاء الحق و ملک خالدرابزه را له‌دان تا تاریخ خواهند افکند و "پیمان اسلامی" سرگردگی آمریکا را مانند کلبه بیما نه‌ای ماثله‌اش: سنتور... نابود خواهند ساخت.

● امیرالسلطانها، اکنون پس از تجربه ایران و مطالعات مدت‌گسترده‌ای که در قبال نقش مذهب در ایران و دیگر جاهای منطقه بعمل آورده‌اند، به این نتیجه می‌رسند که باید زیر پرچم "الله" رفت!

در پایان با این نکته‌ها یادآور شده که برخی از نیروهای مخالف تشکیل این کنفرانس، دچار این توهم اند - توهمی که انکسار موضع طبقاتی آنهاست - که گویا یک بلوک بندی اسلامی متشکل از با اصطلاح کشورهای مسلمان میتواند بوجود آید. اما این خیالی است قدیمی از دوران سید جمال الدین اسدآبادی که در فکر متحد کردن سراسر ایدین شاه و خلیفه عثمانی زیر عنوان اتحاد اسلام بود. بلوک - بندی کشورها براساس مذهب نه تنها نقش مترقیانه - ای نخواهد داشت بلکه، صلاً عملی هم نیست.

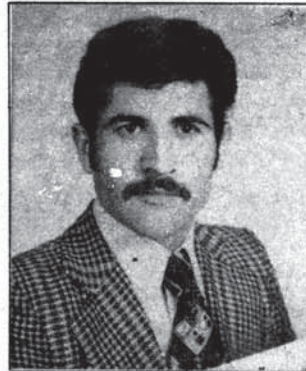
روشنای مذهبی جریان‌ها تا ریختن حتی اگر به صورت جنگ‌های چندساله درآید جز شکلی از مبارزات طبقاتی نیست همان‌طور که جنگ‌های ۴۰ ساله آلمان بین پروتستانها و کاتولیکها و یا جنگ شیعه و سنی در آستانه تشکیل دولت مطوبه جز مبارزه طبقاتی نبود. در اینجا به همین اشاره بکنده کرده، بحث آنرا به فرصتی دیگر موقوف می‌کنیم. ۱۳۵۸/۱۱/۶

می‌کنند، در همین چندماه پس از قیام و در جمهوری اسلامی، بارها و بارها مبارزات و اعتراضات کارگران بخون کشیده شد و با زهم خواهد شد. در این میان کارگران امکان می‌یابند که دوستان و دشمنان واقعی خود را بهتر بشناسند. کارگران کارخانه قرقره زبیا در همین دوسه روز بسیاری چیزها آموختند، آنها در عمل مشاهده کردند که تیرین زبان‌های عوامل کار - فرما و هیئت حاکمه جز برای فریب آنها نیست، با سخ همه آنها وقتی که نتوانند با فریب مبارزات کارگران را بهین بست بیکشانند، تنها سرکوب است، سرکوب!



طبقه کارگر در مبارزه اش علیه سرمایه‌داران سلاخی بهتر از ما تدهی و تشکیلات ندارد.

گرامی باد خاطره رفیق شهید جواد چایچی عطری (جمشید)



اول بهمن ماه ۵۸ مصادف است با دومین سالگرد اسارت رفیق شهید جواد چایچی (جمشید)، فرزندی فهیمانی که برای رها نشی زحمتگنان در بیستگاه خلقی بنام نسنه بود که تا آخرین نفس صمیمانه و آتشی - نا پذیر در این راه خونین بای فرود .

در آن زمان که رژیم وابسته به امپریالیسم شاه ، بشجدهای اهریمنی خود را در لطمه هر آزادیخواهی فریونی بزده و اسارت و شکنجه و قتل و ترور خلق و انقلاب - بنون از جناح غامدی و روزمره رژیم سفاک و ضد خلقی پهلوی نژاد بود ، بنا امپریالیسم و سرما بهای وابسته بدان بنواستند هر چه مسترخون زحمتگنان میهن ما را شکنند و جنشهای حق طلبانه زحمتگنان یکی بین از دیگری در معرض سرکوب و حسیانه فراری گرفت ، در آن زمان که بسیاری از بختور رسیدگان امروز در لادهای خود به "تقیه" بنسب آینه های بناس برای کوبده می خوانند ، آری در آن زمان ، بسیار بودند انقلابیون و رزمندگان راستینی که برای دگرگونی این نظام و قطع سلطه امپریالیسم و سرما بهداری وابسته بنیا خاشاک بودند ، بنا بنسب خلق و همراه با انسان طومار حیات تنگن و ضد مردمی رژیم را در هم نوردیده آتخاباک بسیارند .

رفیق جواد چایچی (جمشید) یکی از این دلوران بود که معتقد بود برای نجات توده های زحمتکش خرمایه ، بی امان و آتشی نا پذیر هیچ گونه راهی نداشت مگر آنکه با رنکارانه ای نمیتوانست وجود داشته باشد ، و بر همین اساس بود که تمام توان

"برخما ترنگریس ما به وحت استعما رگران و فرما سربا بان استگنمی توان طوبیت را گرفت ویرجمی و الا نسراری کارگران ! بی ساز و بارم ، خواهی دید ، شاه و شاهزاده ، چر - کجا کجاستی در این مزاره ، که بیابان نخواهد گرفت ، جریا بیروزی ما ، در شهرهای جهان ، در شهرهای کارگران . (برتولت برنت)

سخن از رفیق شهیدی است که آگاهی انقلابی را در غوش مادی ما را زود پر کنار برادرش افشار - آفرین چون احمد و رضا و مهدی رضائی آموخت ، کینه مقدس علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه را در اعناق وجود خویش حس کرد و زندگی خود را همچون آن با عشق به خلق عین ساخت . رفیق شهید مدتی در راهی پس از سال ۵۵ به سازمان مجاهدین خلق ایران پیوست و با صداقت ، هوشمندی و ذکاوت و زیرکی خویش از رژیم آوران فعال و دینار انقلاب دموکراتیک - ضد امپریالیستی میهن ما گشت . در آن روزهای سخت که تنها جدمد منشا نسه ساواک ، حتی اندیشیدن بعمل انقلابی را برای بسیاری از مخالفان رژیم امری دشوار ساخته بود ، او به وظایف خطیر ناک انقلابی خود عا شفا نه عمل میکرد و چشم بر روی طوع خورشید آزادی ستمدگان جا مسمه ما داشت ، بنهادهت برادران ، زندانی شدن خانواده ، ضربات و زنده پیرا زمان ، و سهادت بسیاری از همزمان را با شکیبائی و با امید فراوان به پیروزی حتمی خلق ، تحمل کرد و در راه تحقق آرمان انقلاب ، خود و

و شیرو خود را در راه به شمرسا ندن اهداف انقلابی خود به کار گرفت و سرانجام با بنا رجان خود به رسالت انسانی و انقلابی خود پاسخ مثبت داد . در صبح هجدهم آذرماه انقلابی سالهای ۵۲ - ۵۱ ، رفیق جمشید با سازمان مجاهدین خلق ایران آشنا شد و بدین پیوست و در جها رجوی ایدئولوژی مبارزه - جویانده اسلامی مجاهدین به مبارزه با رژیم پرداخت ، و بعدها همزمان با تغییر ایدئولوژی بخشی از سازمان مارکسیسم - لنینیسم این تنها ایدئولوژی طبقه کارگر را پذیرفت و از آن بعد در بخش منشعب از این سازمان به فعالیت انقلابی خویش ادامه داد . رفیق معتقد بود تنها ایدئولوژی ای که میتواند منافع طبقه کارگر و سوده های زحمتکش را نمایندگی کرده و در راه ، نامین این منافع هیچ تزلزل و سازشی بخود

راه ندهد ، همانا ایدئولوژی مارکسیستی لنینیستی می باشد ، پذیرش این ایدئولوژی ، برای او آنگاه اهمیت ویژه و مفا عفی بخود میگرفت که مخصوصا و پس از یک دوره مبارزه انقلابی در زیر لوای ایدئولوژی اسلامی مجاهدین و کوشش در راه انطباع دادن آن با بدیده ها و فانومندیهای اجتماعی به حق نیست و درستی ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم دست یافته و آتشنا سلاح علمی و برادر مبارزه ضد امپریالیستی در مبارزه طبقاتی و در راه قطع استثمار و بهره کشی میدانست .

آری او بر این باور بود که قهرمانان نه در این راه با شور و علاقه هر چه بیشتر فعالیت کرده و از ایدو آرمان خود دفاع میکرد و سرانجام در راه پیروزی زحمتگنان و رها نشی آنان از ستم امپریالیسم و بورژوازی وابسته ، بشهادت رسید ، یادش گرامی باد . رفیق شهید جمشید ، در بخش ارتباطات سازمان مشغول فعالیت و رابط سازمان (بخش داخل) و بخش خارج کشور آن بود . در آن زمان که ارسال سدا رگ (اخبار و مسائل جنش ، مدارک درون سازمانی و...) به خارج و نیز آوردن مدارک و انتشاراتی کده در خارج به مقدار فراوان جاب و منتشر می شد ، بدینا دل ، از اهمیت زیادی برخوردار بود ، رفیق جمشید این وظیفه خطیر را به عهده داشت . وی علاوه بر اینها ، در آوردن اسلحه و مهمات لازم و... از خارج و نیز آوردن و سرن برخی از رفقای مخفی سازمان از مرز بطور قاچاق ، نقش بسیار فعال و ارزنده ای برای سازمان داشت . او چندین بار از خطر درگیری و نیز شکنجه و بیگردد ژاندارمهای مرز ایران و ژاندارمهای ترکیه و نیز قاچاقچیان مشکوک (که با پلیس همکاری می کردند) جان سالم بدر برد و محمولات خود را بدست رفقای سازمان رساند . رفیق در تاریخ ۳۰ دیماه ۵۸ شب هنگام با

مقادیری مدرک و سلاح از یکی از دهات مرزی ترکیه عبور کرده و از یکی از دهات مرزی ایران می شود . فردای آن روز در مسیر راه مورد سوءظن ژاندارمهای گشتی قرار گرفته و به پایگاه برده می شود . از این پس بدین خبر دیگری بدست ما نرسیده و از چگونگی ماجرا بی اطلاع هستیم ، همینقدر می دانیم که رفیق ، کوچکترین اطلاعی بدشمن نداده و هیچکس در رابطه با او لو نرفته است . او به احتمال زیاد در زیر شکنجه های وحشیانه ساواک شهید شده و به کساروان شهیدان راه آزادی و استقلال میهن پیوسته است . سرگذشت دلورانه و انقلابی این رفیق شهید و زندگی شرافتمندانه و افتخارآمیز دیکر انقلابیون و کمونیستها ، مشت حکمی است بردهان یا وه گویانی که سعی در لوث کردن فعالیتها ی انقلابی آنها نموده و "مبارزه" را صرفا در انحصار خود می دانند ، آنها بخیا ل خام خود ، کوششهای کسمو - شیتها را در خدمت "صدانقلاب" معرفی میکنند ، آنها نمی دانند و نمی توانند تصور کنند هر سلاحی که در دست انقلابیون قرار میگرفت و مغز و قلب آمریکای شیان و عمال وابسته به آنان را نشانه می رفت بسا چه خون دل و زحمتی فراهم میشد و چه رزمندگان بزرگی در پای آن چه با جان می باختند . مبارزه زحمتگنان و نیروهای انقلابی و کمو - نیست علیرغم دشواریهای زیاد به پیش رفته و خواهد رفت و سرانجام دست امپریالیستها و مرتجعین را از جان زحمتگنان و طبقه کارگر کوتاه خواهد ساخت . با خون رفیق شهید ، جواد چایچی (جمشید) بیمان می بندیم که در راه تحقق آرمان انقلابی او هرگز از بای ننشستیم ■

گرامی باد خاطره رفیق شهید صدیقه رضایی

سازمان خویش و در راه دستیابی به عالی ترین اندیشه و سربنا مه انقلابی که تقسیم کننده نهائی و حتمی آزادی زحمتگنان و کارگران باشد لطمه ای درنگ نکرد . رفیق صدیقه ، طی چند سال فعالیت انقلابی خود ، وظایف خطیر و موفقیت آمیز فراوانی را انجام داد . هشیاری ، استکرام عمل و تحرک نسین آمیز او در خاطر همزمانی که او را از نزدیک می شناختند همواره باقی است ، آنها نقش اصلی رفیق صدیقه را در فرار معروف رژیمنده مقام اشرف دهقانی از زندان در سال ۵۲ بنحویر جسته ای یاد میکنند . در جریان تحولات درونی سازمان مجاهدین در سالهای ۵۲ - ۵۳ که منجر به تغییر ایدئولوژی بسیاری از رفقای همزمان گردید ، رفیق صدیقه اندیشه طفره نمون پرولتاریا یعنی مارکسیسم - لنینیسم را بعنوان ایدئولوژی خویش برگزید . رفیق صدیقه در بهمن ماه ۱۳۵۴ زمانیکه بیش از ۲۰ بها و از عمر برپا ریش می گذشت در جین انجام یک ما موریت انقلابی در محارمه ما مورین جلاد ساواک گرفتار آمد . و در زیر شکنجه بشهادت رسید . خاطره اش گرامی باد ■

دهقانان مبارز! مردم زحمتکش محمودآباد!

بنی صدر در مقابل حقوق خلقها

در روز جمعه ۵۸/۱۰/۷ جماعت بدستان معسوم منصور (نامبرده از ملائین معروف و از نزدیکان فاطمه بهلولی بوده و با کمک وی حدود ۲۰ هکتار از اراضی مزروعی روستایان "چهارافرا" را تصرف کرده است) به عده‌ای از دهقانان مبارز چهارافرا که قصد احیای ۲ هکتار از اراضی جنگلی را داشتند، یورش برده و ۹ تن از آنان را مجروح میکنند. بنا به دخالت پاسداران چندتن از چاقوکاران و خود منصور با زدا شد می‌شوند، لیکن با اعمال نفوذ "ناطق نوری" نماینده ما که خود از ملائین بنام در منطقه است آزادی می‌شوند. این اقدام انقلابی خشم روستایان "چهارافرا" را برمی‌انگیزد و سه همین خاطر ۴ تن از دهقانان مبارز "چهارافرا" به عنوان "صدانقلاب و اخلالگر" دستگیر و کتک در زندان بسر می‌برند.

هیئت خاکمه ضد خلقی و ابادی مزدورشن علی‌رغم بیوهی تبلیغاتی وسیعی که مبنی بر "واگذاری زمین به دهقانان و حمایت از آنان" و "مبارزه علیه فئودالیسم" برپا انداخته، این بار نیز چون هزاران هزار نمونه‌های دیگر با آزاد کردن منصور و چاقوکارانش دستگیری دهقانان مبارز، حمایت خالصانه خویش را در جهت تامین منافع زمینداران بزرگ و مالکین ارضی ثابت نموده است. ... این نمونه‌ها (که در واقع مشتق از بی‌شمار خروارهاست، گواهی است بر اینکه دهقانان رنجیده، مانده‌اند دروغویان از پیش رسوا شده، بلکه باید نیروی لایزال و اتحادیه‌های خویشتنکی بوده و بیکیکسانه به همراه کارگران و سایر اقشار زحمتکش در جهت کسب حقوق حقه، خویش و مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم، کام‌برداری، مطالبی که در بالا ملاحظه نمودید، قسمت‌هایی از یک اعلامیه است که از طرف حوزه "مازندران ساز" مان، در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۴ منتشر شده است ■

دهقانان مبارز! ارمکلا!

اقدام انقلابی و بحق نشان در تصرف ۱۵ هکتار از اراضی مصطفی خان آهی، قبل از هر چیز نشان می‌دهد که شما بهیچوجه عوام‌فریبی‌ها و هابیه‌های تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی درباره "مبارزه با فئودالیسم" و "انجام اصلاحات ارضی" و ... توجهی نگردیده و با تکیه بر اتحادیه‌های و نیروی لایزال خود، مشت دروغویان با زخمی و رسوا شدن می‌کنید.

حرکت درست و آگاهانه شما در مورد انتخاب بنام بنادگانان با ردیگر این حقیقت آشکارا ثابت نموده که توده‌های زحمتکش در راه کسب حقوق حقه خویش سلاحی جز سازمان دادن مبارزات خود، اتحادیه‌های خود ندارند.

این شما هستید که از ما تا نام، در گرما و در سرما با سختی و مرارت برزوی زمین زحمت می‌کشید، نه کردن کلفت‌های چون آهی‌ها و ... که با زور و اعمال نفوذ و با حیل‌های مختلف حقوق حقه‌تان را از چنگتان در آورده‌اند. زمانیکه آهی خود را در مقابل اتحاد

دارد، بلکه در جای رجبیک خود مختاری در محدوده ایران و محدود مکرراتیک عملی است فقط و فقط این اتحاد است که منافع واقعی خلقها را منعکس می‌کند. ... (بنتقل از بیکار شماره‌های ۲۰۱) مان انتظار رنداریم آقای بنی صدر که این روزها غرق در رویای شیرین ریاست جمهوری است، خواست‌های عادلانه و بحق خلقهای قهرمان ایران و مواضع کمونیستها و نیروهای انقلابی را در این زمینه درک کند. بنی صدر هم‌بنا به یک بورژوا لیبرال تمام عیار و معنویان از هیئت خاکمه که نقش و موقعیتی قابل توجه دارد، همواره از مواضع حقیقت منافع طبقاتی خود در کل سیستم ضد خلقی حاکم بر کشور حرکت کرده و از این رو طبیعتاً رودر روی خلق‌های ایران قرار می‌گیرد و بنا بر این عجیب نیست که خواهستهای خلق کرد و دیگر خلقهای ایران مواضع کمونیستها در مورد سلطه خلقها را تحزیه طلبی بنا بد.

از سوی دیگر این نکته روشن می‌سازد که وقتی بنی صدر در نقاطی انتخابی اش سخن از آزادی و برابری ملیت‌ها می‌راند در واقعیت امر فریبی بیش نیست، چطور ممکن است مقابله و متسلطانه و قهرمانانه خلق کرد بر علیه جنایات و تجاوزات رژیم جمهوری اسلامی را اعمال زور در برابر رژیم که به عقیده ایشان خواهان برابری ملیت‌هاست تا میدو معتقد به آزادی و برابری ملیت‌ها نباشد. چطور ممکن است در برابر اقدامات جنایت‌کارانه و جنگ افروزان رژیم جمهوری اسلامی در برابر خلقهای کرد و عرّب و ... سکوت کرد و تا شنید نمود و به ضرورت حفظ وحدت و همبستگی ملیت‌ها نیز اعتقاد داشت؟ آقای بنی صدر که خود از سردمداران مجلس خبرگان و از دست‌اندرکاران اصلی تدوین قانون اساسی کذابی است (قانونی که حقوق حقه خلقها را زیر پای می‌گذارد، با اصل ولایت فقیه پشت پایه‌های اصول اولیه دموکراسی میرتدو بر طبق آن راه برای سلطه و نفوذ امپریالیسم باقی نگاه داشته می‌شود) امروز سعی میکند با گرفتن روست آزاد بخوانا نه دموکرات‌ها تا به در برابر اردوستان حزب جمهوری اسلامی و با به اصطلاح تأیید و حمایت از کاندیدای سازمان مجاهدین خلق، مسعود رجوی صف خود را از مرتجعین حزب جمهوری اسلامی امثال بهشتی و رفسنجانی کاملاً متمایز جلوه دهد. لیکن دیری نخواهد پاید که در سیرا انقلابی جامعه عمیق‌تر شدن بحران‌ها، نقش زور، نالیبرالیستی از نوع بنی صدر علی‌رغم اختلافاتی که با جناح‌های دیگر هیئت خاکمه دارند، برآورده‌های وسیع مردم روشن گردد ■

بود. چنین مبارزه‌ای هیچگاه از مبارزه مشترک تمامی کارگران، دهقانان و خلقهای ایران بر علیه ارتجاع و امپریالیسم جدا نبوده و نخواهد بود.

آنچه در فوق نقل نمودیم، قسمت‌هایی از متن اعلامیه "حوزه" مازندران سازمان است که در ارتباط با تصرف اراضی متعلق بیکی از فئودالها توسط دهقانان مبارز روستای "ارمکلا" در تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۲۴ انتشار یافته است.

در سخنرانی‌ای که اخیراً در محل استادیوم تختی آبادان توسط بنی صدر ایراد شد، وی در آغاز سخن خود به تجزیه و تحلیل مفهوم تا سیونا لیسم در جهان غرب و تحمیل شیوه‌های فکری بر مذهب طی دوقرن اخیر پرداخت و ضمن مقایسه این مفهوم در ارتباط با نظریه مارکس از راه اتحاد زحمتکشان و ایجاد نظام جهانی سوسیالیستی در شوری اظهار داشت "... بنا بر این در نظر آنها در ایران ترک یک ملیت، بلوچ یک ملیت، فارس یک ملیت و عرب یک ملیت است و این در حالیست که ما اثرها با هم زندگی کرده‌ایم و فرهنگ و زندگی مشترکی داریم. بنی صدر افزود "آنها می‌خواهند بجای اینکه متحداً شیم تجزیه بشویم..." (بنتقل از روزنامه انقلاب اسلامی شنبه ۵۲۹). بنی صدر همچنین در نقطه را دیو- تلویزیونی خود میگوید:

"... همه باید این را بدانند که بنا به وجود اجازة دهند از طریق اعمال زور چیزی را از دولت بگیرند". نقل قولهای بالا بحد کافی استنباط جناب بنی صدر را از خواهستهای حق طلبانه و عادلانه خلق کرد و از مواضع شیروهای کمونیست و انقلابی در اینباره نشان میدهد. آنچه که از نظریه تجزیه طلبی شمرده می‌شود، از نظر ما، تمام کمونیستها و نیروهای انقلابی در واقع اتحاد آزادانه، دموکراتیک و از روی میل خلقهای ایران است. ما و تمام آنها که از حقوق حقه، خلق دلاور کرد و سایر خلقهای ایران پشتیبانی می‌کنند، با راه اعلامیه شما هم که "مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی برابر خلقهای ایران، بطور ارگانیک بهم‌گرفته‌اند، کالبد واحدی را ساخته است... ایران آزاد (مستقل) و دموکراتیک که از اتحاد آزادانه و از روی میل خلقهای ایران تشکیل شده‌اند شدتها در صورت نابودی کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم ممکن است... فقط و فقط بدین نحو است که خلقها امکان می‌یابند خود را از چارچوب تنگ تا سیونا لیسم که از طرف بورژوازی، خرده بورژوازی و حتی فئودالها تبلیغ می‌شود، خلاصی دهند. چه در غیر این صورت مبارزات فئودال-کارانه و دلاورانه خلقهای ایران در خدمت منافع تجزیه طلبانه و استعمارگرانه فئودالها و... قرار گرفته، حربه‌های آنان را در متوقف ساختن انقلاب کاری ترمی سازد. جدائی کامل بهیچوجه بشفیع خلقهای ایران نبوده، هیچگونه کمکی به تحقق خواهستهای ملی، بهبودی شرایط زندگی و پایان دادن به ظلم و ستمگری نمی‌کند. منافع ملیتهای مختلف ایران نه در جدائی کامل و نه در اطاعت اجباری از مرکزیت که عمدتاً در دست فارسیها قرار

و اراده، استوارت‌ان بیچاره دید، بی‌شرمانه ادعا می‌کرد که خودش قصد تقسیم آنرا داشت. آهی زانو - صفی‌بخا طراپیکه یک مدهکتا ردیگر از زمین‌هایش از دستش خارج نشود، از این حیل‌ها استفاده میکند. اما شما باید با یک اقدام انقلابی دیگر، این حیل‌ها را هم خنثی کرده و با ردیگر مضمتم و آگاهانه‌تر با اتحادیه‌های کمونیستی تا شما می‌زمین‌های این مفت - خور را به تصرف خود در آورید. بی‌شک این اقدام انقلابی تا مورد حمایت تمامی زحمتکشان شهرو روستا و نیروهای انقلابی راستین بوده و خواهد

که با مقایسه و تحقیق کارکنان مربوطه روبرو شد، و سرانجام باعث عقب نشینی مسئولین گردید، نشانه ای است از عدم درک آنها از ابتدائی ترین احساسات انسانی این کارکنان. آنچه در شرایطی که ۱۲۸ تن از هموطنان و همکاران خود را ز دست داده اند.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۸/۱۱/۳

شلیت به خلق و کارکنان هواپیمائی ایران و بازماندگان کشته شدگان جانته هواپیما

مردم هستیم. ما همچنین لازم می دانیم یاد آوری کنیم کسی توجیهی مسئولین امور به وضع روحی کارکنان هواپیمائی ملی ایران، و اصراآت آن سه انجام روزهایی معمولی در روز سه شنبه ۵۸/۱۱/۳

با کمال تاسف برخورد هواپیمائی که از مشهد عازم تهران بود، به کوهپایه ای لشکرک منحربه کشته شدن ۱۲۸ تن از هموطنان ما گردید. ما ضمن تسلیت به خلق ایران و بازماندگان و کارکنان هواپیمائی ملی ایران که در این سانحه جانهای خود را از دست دادند، بخداوند متعال عرض می نمایم که در این سانحه جانهای خود را از دست دادند و اعلام صریح آن بدینگونه

خلق میخواهد بداند...



تلیغیات ریاست جمهوری با پول زحمتکشان: میلیون ها تومان پول به سبک کشورهای سرمایه داری و از دسترنج زحمتکشان برای فریب توده ها خرج شد.

آنها ادعا میکنند که "اسلام" مورد اعطایان با سرمایه داری مری دارند! آنها وعده عدالت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی به خلق میدهند اما اینک در تجربه ای دیگر خلق مساوی با سادگی است! این ادعاها چه خواهد بود! در جریان همین انتخابات ریاست جمهوری این مدعیان "تراستی" اسلامی و این زاهدان ریائی نشان دادند که با وجود حرفهای بزرگ و بی ادبیی آنها در مقابل خلق هستند! و تا جایی که از بیرونی سبزه ها و الگوهای سرمایه داری جهانی در جریان انتخابات زحمتکشان آگاهان ما را هدایت میکنند چگونه میلیونها بیست و تریاک و بیلاکار در کنار یک و... برای فریب و دروغگوئی چاب و دسترس گردید، و چگونه دهها میلیون تومان دسترنج زحمتکشان صرف رفاهت سبب این آقایان گردید. از بس که کاندیداها تیمار مرمی، خلال الدین فارسی، حبیبی و بنی صدر بستر از همه خرج کردند! کنون برای اینکه ما این ارتقام هنگفت خرج شده آشنا گردیم، هزینه انتخاباتی یکی از این آقایان را ملاحظه میکنیم. خلال الدین فارسی برای تبلیغات کذائی خود، ۲۵ میلیون تومان خرج کرد (۱) و این تازه در حالی بود که او وسط راه با کمال مانده و دلیل "ایرانی الاصل" نبودن از دور خارج گردید. اما به تیمار مرمی و بنی صدر هیچکدام کمتر از او خرج نکردند. حال ببینیم ما همین ۲۵ میلیون تومان بولتی که فقط یک کاندید خرج کرده است چه میکند؟

با این پول می شد به ۱۳۳۶ خانواده کارگران پیکار سه مدت یکسال ما هانه ۱۲۰۰ تومان "بیمه پیکاری" پرداخت کرد و بدین ترتیب حدود ۸۶۸۰ نفر را تهداد کارگران را که ما فقر و تنگدستی روبرو هستند بدست یکسال از خطر گرسنگی نجات داد.

با این پول می شد به ۲۷۷۷ خانواده کارگران ستار که دولت و شورای انقلاب وام پیکاری ما هانه ۷۵۰ تومان آنها را هم قطع کرد و بدست یکسال دیگر وام داد.

با این پول می شد به ۵۰ بیمارستان کوچک با هزینه هر بیمارستان ۵۰۰ هزار تومان در روستا های کشورمان ساخت و جان زحمتکشان روستائی را نجات داد.

با این پول می شد ۱۲۵ خانه نسبتاً مناسب برای زحمتکشان بی مسکن تهیه کرد.

با این پول می شد ۲۵۰ مدرسه کوچک با خودبباری دهفانان در روستا های کشور ساخت و بدین ترتیب برای کودکان و نوجوانان ۱۲۵ روستا که محبوسند در سرما و گرما در زیر جاذبه درد بخش خواهند بود با اجاره آنرا ترک تحصیل کنند، محل مناسب فراهم کرد. **با این پول می شد...**

و اکنون خلق میخواهد بداند این بولتها برای آقایان فارسی، مرمی، بنی صدر، حبیبی و... از کجا آمده و چرا چنین خرج شده است؟!

(۱) - شیخ علی تهرانی در نامه اش به آیت الله خمینی در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۵ خرج انتخاباتی خلال فارسی را میلیونها تومان ذکر کرده است و بر اساس اطلاعات ما این مبلغ ۲۵۰ میلیون تومان است.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست